

## حیات سیاسی و علمی شهید سید محمد حسینی بهشتی؛ مشکله زمانه و مبانی فکری در بستر گفتمان انقلاب اسلامی<sup>۱</sup>

سید محمد جواد قربی<sup>۲</sup>

### چکیده

اندیشه، گفتار و سیره عملی شهید بهشتی در بستر گفتمان انقلاب اسلامی یکی از موضوعاتی است که بررسی آنها می‌تواند حائز اهمیت باشد؛ زیرا انقلاب اسلامی ارتباط محکمی با متفکران خویش دارد و خیلی از دستاوردهای فکری و عملی متفکران انقلاب نیز بر استمرار و تداوم گفتمان انقلاب اسلامی تأثیر ایجابی داشته‌اند و تبیین مبانی فکری این اندیشمندان می‌تواند به فهم بهتر انقلاب اسلامی کمک شایانی نماید. شهید سید محمد حسینی بهشتی یکی از متفکران بزرگ جهان اسلام محسوب می‌شود که در حوزه عمل و اندیشه بسیار پرکار بوده است؛ تا جایی که برخی از اندیشه‌های ایشان در قانون اساسی، قوه قضاییه، آزادی‌های مدنی در جامعه ایرانی، شوراها و... تبلور یافته است. اندیشه‌های ایشان تحت تأثیر بنیان‌ها و مبادی فرانظری (هستی‌شناسی،

۱. این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی با عنوان «اندیشه سیاسی شهید سید محمد حسینی بهشتی» می‌باشد که در مرکز اسناد انقلاب اسلامی انجام شده است.

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی اسلام پژوهشکده امام خمینی (ره)



انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی) بوده و برخی از اندیشه‌های ایشان بازتاب واکنش ایشان به شرایط و مشکلات زمانه خویش می‌باشد که برخی از آنها تجربه رژیم پهلوی، مادی‌گرایی افراطی در زندگی امروزی، رواج اندیشه‌های مارکسیستی و لیبرالیستی، ظهور و رواج مکاتب مادی در جهان معاصر و... می‌باشند. در نهایت باید اذعان داشت که مبنای اصلی حیات سیاسی و علمی شهید بهشتی در گفتمان انقلاب اسلامی، قرآن یا همان اسلام ناب محمدی (ص) می‌باشد که آثار این گرایش را می‌توان در تمامی مواضع سیاسی و اجتماعی، فعالیت‌های مدنی، تقریرات و کتب منتشر شده ایشان مشاهده کرد و همین پایبندی به مبانی اسلامی بوده است که پیوند اندیشه‌های وی با انقلاب اسلامی را تحکیم بخشیده است.

**کلیدواژه‌ها:** شهید بهشتی، مشکله زمانی، بنیان‌های فکری، انسان‌شناسی، هستی‌شناسی، رژیم پهلوی، مادی‌گرایی، حیات علمی، مکاتب مادی، اندیشه‌های مارکسیستی و لیبرالیستی.

## مقدمه

سامان و پیشرفت جهان و جوامع بشری، مدیون اندیشه اندیشمندان است؛ اگر چه اغلب، سیاستمداران در ظاهر نقش اساسی را ایفا کرده‌اند. شاید بهتر است بگوییم جامعه مطلوب بر محور اندیشه اندیشمندان سیاسی می‌چرخد و سیاستی که مبتنی بر تفکر و اندیشه دانشمندان نباشد، اگر جامعه را تخریب نکند و به انحطاط نبرد، خود مایه مسرت و خوشبختی است.<sup>۱</sup> از این رو، انسان‌های بزرگ و به خصوص اندیشمندان سیاسی می‌توانند در تغییر و تحول سرنوشت تاریخی جوامع و ملت‌ها مؤثر و سرنوشت‌ساز باشند. بسیاری از آنان در سرتاسر تاریخ بشریت بر کره خاکی، توانسته‌اند روحیه، خلق و عادات و سنن و فرهنگ ملت یا جامعه‌ای را دست‌خوش تحول کنند و با ایجاد دگرگونی در جوامع بشری، آنها را به سوی تمدنی عالی‌تر سوق دهند. در این میان، نوابغ و قهرمانان، پیامبران و پیشوایان دینی، مصلحان سیاسی و اجتماعی و شهیدان راه حق و هدایت، جایگاه والایی دارند. زیرا آنها حرکت خود و جامعه را در جهت مصالح و نیازهای واقعی جامعه تنظیم می‌کنند و بر اساس حق و حقیقت سخن می‌گویند. آ شهید سید

۱. علی‌اکبر علیخانی، *اندیشه سیاسی در جهان اسلام*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی، فرهنگ و مطالعات اجتماعی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۲۰.

۲. محمدحسین جمشیدی، *زندگی سیاسی سید محمدباقر صدر با تکیه بر تأثیرگذاری بر انقلاب اسلامی ایران*، تهران، پژوهشگاه امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی، ۱۳۸۹، ص ۲-۱.

محمد حسینی بهشتی از جمله شخصیت‌های کم‌نظیر در دوران معاصر سرزمین ماست که در برهه‌ای خاص، بیشتر مردم با جنبه‌های ویژه‌ای از وجودش آشنا شدند. شهید بهشتی در کوران حوادث اول انقلاب، با خلق حماسه‌ای به یادماندنی و فراموش‌ناشدنی، راست‌قامتانه بر عقیده و اندیشه خویش پای فشرد و جاودانه تاریخ شد. دریافت واقعی شخصیت ایشان مستلزم شناخت و آگاهی همه‌جانبه از او و اهداف و آرمان‌هایی است که او را در جاده پرفراز و نشیب زندگی به حرکت درآورد تا به حیات مادی و معنوی پرثمری دست یافت.<sup>۱</sup> به همین دلیل است که در خصوص شناخت و بررسی این عالم بزرگوار بیان می‌کنند:

معرفی راه و رسم و ارستگانی چون بهشتی در روزگار و شرایط جامعه و فرهنگ ما ضرورتی انکارناپذیر است. امروز جوانان و دانشجویان و طلاب ما به الگوهای چون بهشتی سخت محتاج‌اند. امروز دین‌شناسی و مطالعات اسلامی و فلسفه و تفقه با الگوی بهشتی بسی کارساز و ثمربخش است. امروز سلوک اجتماعی و سیاسی بهشتی نمونه‌ای روشن و متین از سیاست‌ورزی اسلامی پیش روی ما می‌نهد. سیاستی عاری از جمود، خودکامگی، ارتجاع، وادادگی و وابستگی و آکنده از هوشمندی، عقلانیت، اعتدال، آرمان‌خواهی، عدالت‌طلبی و آزادگی. امید آن دارم که همه علاقه‌مندان به اعتلا و سعادت ایران و همه کوشندگان در راه تحقق اهداف متعالی اسلام این الگوهای گرانقدر را بیشتر بشناسند و به نسل جست‌وجوگر امروز معرفی کنند.<sup>۲</sup>

نکته بعدی این است که شهید بهشتی یک اندیشمند پرکار بوده که مباحث علمی وی از عمق و منطق استدلال بالایی برخوردار می‌باشد و علاوه بر حوزه سیاسی، در قلمرو مباحث اقتصادی، اجتماعی، عقیدتی و احکام، فقه پزشکی، هنری، تربیتی و غیره دارای آرا و برداشت‌های نوینی هستند که بر اساس متون دینی استخراج شده‌اند و هدف از این برداشت‌ها، کمک به برطرف نمودن سؤالات، شبهات، دغدغه‌ها، نیازها و مشکلات جوامع انسانی بوده است و صرفاً منحصر به زمان حال نمی‌باشند. به عنوان مثال، در حوزه

۱. حسن اردشیری لاجیمی، رهیافت: گزیده‌ای از دیدگاه‌های شهید بهشتی، قم، مرکز پژوهش‌های صدا و سیما، ۱۳۸۶، ص ۱.

۲. نگاهی دوباره؛ بازخوانی اندیشه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی شهید آیت‌الله دکتر بهشتی، آیت‌الله موسوی اردبیلی، «پیام آیت‌الله موسوی اردبیلی به همایش نگاهی دوباره به آثار و اندیشه‌های آیت‌الله شهید بهشتی»، قم، دانشگاه مفید، ۱۳۹۲، ص ۱۴.



معرفی راه و رسم وارستگی چون بهشتی در روزگار و شرایط جامعه و فرهنگ ما ضرورتی انکارناپذیر است. امروز جوانان و دانشجویان و طلاب ما به الگوهایی چون بهشتی سخت محتاج اند

پزشکی، مسائل مربوط به سقط جنین همچنان در مباحث فقه پزشکی مطرح می‌باشد یا در حوزه هنری، موسیقی و نوع تفریحات همواره مورد توجه فقیهان می‌باشد. به طور اخص در قلمرو اندیشه سیاسی نیز مباحثی همچون آزادی و نسبت آن با حکومت اسلامی، عدالت پایدار، حکومت مطلوب، اختیارات و شئون ولی فقیه، حقوق شهروندی، اقلیت‌ها و غیره همچنان از داغ‌ترین مباحث اندیشه سیاسی متفکران مسلمان می‌باشد که در مجموعه آثار شهید بهشتی موجود هستند و نظرات ایشان نسبت به خیلی از هم‌دوره‌ای‌های ایشان، از طراوت و تازگی بیشتری برخوردار است و می‌تواند همچنان مورد استفاده قرار گیرد و این تأکید ناشی از این مهم است که مبانی فکری و دستگاه اندیشگی ایشان منطبق با آموزه‌های اسلامی و مبانی انقلاب اسلامی ایران می‌باشد.

نکته بعدی در خصوص اهمیت بازخوانی اندیشه‌های شهید بهشتی و منسوخ نشدن آنها، کارآمدی اندیشه‌های نظام‌ساز<sup>۱</sup> ایشان می‌باشد؛ به این معنا که، کادرسازی و نظام‌سازی‌های سیاسی، حقوقی-قضایی و اجتماعی ایشان در طی دهه‌های گذشته همچنان از توانمندی لازم برای پاسخ‌گویی به نیازهای جدید جامعه ایرانی برخوردار است. قانون اساسی، قوه قضاییه، کار تشکیلاتی حزبی، نظام‌مندی‌های علمی و حوزوی، تأسیس نهادهای دینی از جمله اقدامات عملی شهید بهشتی می‌باشند که منطبق با سیره و اندیشه‌های نظری ایشان است و همین موضوع دلالت دارد که میان کارآمدی نهادهای انقلاب اسلامی با اندیشه‌های ایشان ارتباط وثیقی وجود دارد. در عین حال باید اذعان داشت اندیشه‌های سیاسی متفکران شیعی بر خلاف اندیشمندان غربی، کمتر با موضوع کهنه و منسوخ شدن مواجه می‌شوند و علت اساسی این موضوع، هم‌خوانی آرا و تقریرات آنها با آموزه‌های وحیانی و کتاب‌الله است؛ و از آنجایی که قرآن در بستر زمان کهنه نمی‌شود، اندیشه‌های مستخرج از آن در صورت قرائت صحیح، می‌توانند همواره مورد توجه باشند و در حوزه نهادسازی‌ها، تغییرات سیاسی، آموزش‌های انسانی و تربیت شهروندان و غیره مورد استفاده قرار گیرند و تجربیات جدید نظری نیز بر غنای آنها بیفزایند. از آنجایی که شهید بهشتی تأکید زیادی بر

۱. رک: شریف لک‌زایی، «نهادگرایی در اندیشه و عمل شهید بهشتی»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، س ۱، ش ۳، تابستان ۱۳۹۱، ص ۱۶۷-۱۴۵.

برداشت صحیح و قرائت کاربردی از قرآن<sup>۱</sup> داشتند، میزان فرسودگی اندیشه‌های ایشان بسیار اندک بوده و با بازخوانی اندیشه‌های ایشان می‌توان، جامعه مسلمانان را از وجود اندیشه‌های ناب این بزرگوار سیراب نمود. لاجرم، در ادامه به بررسی بنیان‌های اندیشه شهید بهشتی در دو حوزه حیات سیاسی و اجتماعی و مبانی فکری ایشان خواهیم پرداخت.

### بنیان‌های اندیشه شهید بهشتی

بازسازی اندیشه دینی یکی از مؤلفه‌های اساسی گفتمان دینی-سیاسی ایران معاصر به شمار می‌آید که در جهت تجدید حیات دینی و کارآمدتر کردن دین صورت پذیرفته است. این بازسازی متضمن اهدافی چون تعمیم اندیشه دینی برای ایفای نقش برتر سیاسی و اجتماعی، همانند کردن آن با مقتضیات زمان و بهره‌گیری از توانمندی‌های دین برای مبارزه با استبداد داخلی و سلطه خارجی بوده است. گسترش دامنه این بازشناسی در میان اندیشمندان شیعی ایران نقطه عطفی در تحولات فکری و عملی تاریخ معاصر ایران است. منظور از بازسازی فکر دینی، همه تلاش‌هایی است که برای کارآمدتر کردن دین و تجدید حیات آن صورت پذیرفته و آثار عمیقی بر تفکر و شاکله روحانیت معاصر شیعه بر جای گذاشته است. به لحاظ تاریخی دوره پس از جنگ جهانی دوم در ایران شروع یک دگرگونی کامل در دریافت مذهبی و نیز ساخت تفکر دینی علمای شیعه است؛ چراکه در شرایط جدید پس از سقوط رضاشاه از یک سو جریان‌های چپ مبتنی بر مارکسیسم به مثابه مهم‌ترین جریان روشنفکری مطرح شدند که از اصلی‌ترین پایه‌های آن، ضدیت با دین و اندیشه دینی بود و از سوی دیگر، دین‌ستیزی در قالب پیراستن مفاهیم سنتی از دین توسط برخی از روشنفکران همچون احمد کسروی ترویج شد. این چالش‌ها و مبارزه‌طلبی‌ها نیز واکنش‌هایی را در لایه‌های مذهبی جامعه در پی داشت. دگرگونی یادشده از لحاظ کمی و کیفی تا پیروزی انقلاب اسلامی روند فزاینده‌ای یافت و تأثیر جدی بر تفکر سیاسی معاصر شیعه بر جای گذاشت؛ هر چند به طور کلی جریان تفکر اسلام‌فقاهتی در اصل ارایه‌دهنده بینش سنتی بود ولی در عین حال، در درون خود آمادگی لازم برای نواندیشی را فراهم ساخت و در کنار آن اندیشه‌گرانی ظهور کردند که با طرح دیدگاه‌های خویش و به ویژه بیان دین به زبان روز و بر اساس مقتضیات زمان و مکان، تحولی عمده در پذیره‌های سنتی-دینی ایجاد کردند.

۱. سید محمد حسینی بهشتی، روش برداشت از قرآن، تهران، بقعه، ۱۳۹۰، ص ۴۴-۱۱.



محیط‌هایی هستند که باروری و رشد نیک خواهی، خیر خواهی و خدا خواهی انسان را آسان‌تر می‌کنند. میدان‌ها و محیط‌هایی هستند که بعد شیطان پرستی، هوا پرستی، خود پرستی، تبه گرایی و تباهی گرایی انسان را آسان‌تر می‌کنند. اینجاست که اسلام انگشت می‌گذارد بر اینکه ضرورت دارد محیط اجتماعی اصلاح بشود

این جریان فراتر از انگیزه‌های اجتماعی، به شکل شگفت‌آوری نیز سیاسی بوده است. سخنگویان عمده این تحول را در این دوران، می‌توان افرادی چون آیت‌الله بروجردی (ره)، علامه طباطبایی (ره)، امام خمینی (ره)، استاد مطهری (ره)، شهید بهشتی و غیره قلمداد کرد که بیشترشان ضمن تلاش برای طرح مجدد دین در جامعه، در آماده‌سازی تفکر دینی برای ایفای نقش برتر سیاسی-اجتماعی جدی

بودند. کوشش‌های آنها در میان جامعه شیعی ایران، بیشتر صرف هدف‌های مهمی چون آماده‌سازی دینی برای ایجاد یک حرکت فعال بر اساس دین، مبارزه با بی‌دینی و تفسیر نوین از پذیره‌های سنتی شیعه، آزادی خواهی و مبارزه با استعمار خارجی بوده است.<sup>۱</sup> چنین رویکردی در سیره نظری و عملی شهید بهشتی به عنوان یکی از متفکران انقلاب اسلامی به خوبی مشاهده می‌شود. ایشان یکی از مؤثرترین یاران امام بود که تلاش‌های زیادی در بازسازی و احیای تفکر دینی، به ثمر نشاندن نهال انقلاب و اسلام در بین مردم و جامعه مسلمین عهده‌دار بود و مبارزات خود را در عرصه سیاسی و فرهنگی توسعه داده و به اصلاح فکر و اندیشه مردم، به ویژه دانشجویان و جوانان معتقد بود. این مسئله در کنار این موضوع برجسته‌تر می‌شود که در زندگی انسان‌ها زمان‌هایی وجود دارد که آن‌را از سایر مرحله‌ها ممتاز می‌نماید اما در این میان هستند کسانی که تمام زندگی‌شان ممتاز و تأثیرگذار است. شهید بهشتی از جمله شخصیت‌هایی است که زندگی‌اش استثنایی و ممتاز بود به گونه‌ای که همواره مورد حمله لیبرال‌ها و منافقین بود.<sup>۲</sup> علاوه بر این، بهشتی اندیشمندی بود که علاوه بر مباحث نظری حوزوی و دانشگاهی، به دنبال راه چاره‌ای برای برون‌رفت از مشکلات بود از این رو، اندیشه‌های نهادی وی مترصد بهبود شرایط جامعه و نظام سیاسی بود. با توجه به موضوعات فوق، برای شناخت بهتر اندیشه‌های سیاسی و حقوقی ایشان، در ادامه به بررسی زندگی سیاسی، آثار تألیفی و مبانی فکری ایشان خواهیم پرداخت.

۱. جلال درخشه، «بازسازی اندیشه دینی و تأثیر آن بر گفتمان سیاسی شیعه در ایران معاصر با تأکید بر دیدگاه شهید مطهری (ره)»، فصلنامه دانش سیاسی، دوره ۲، ش ۳، پاییز ۱۳۸۵، ص ۱۱۹-۱۱۷.  
 ۲. فاطمه مالکی و دیگران، مردی در هامبورگ، اصفهان، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، ۱۳۹۲، ص ۹-۱۱.

## ۱. زندگی سیاسی، اجتماعی و علمی شهید بهشتی؛ بارویکردی بر مسئله زمانه

همان گونه که شهید بهشتی تأکید دارد:

میان من و محیط زندگی ام رابطه‌های گوناگون وجود دارد. یکی از این رابطه‌ها آگاهی و شناخت است. ما انسان‌ها با محیط زندگیمان انواع و اقسام رابطه را داریم.<sup>۱</sup>

انسان موجودی اجتماعی و محصول محیط اجتماعی خود است<sup>۲</sup> و بین فرد و جامعه روابط متقابل وجود دارد؛ یعنی فرد در عین حال که از جامعه تأثیر می‌پذیرد، بر آن تأثیر می‌گذارد.<sup>۳</sup> شهید مطهری معتقد است که بینش، امری نسبی و محصول رابطه خاص هر فرد با محیط طبیعی و اجتماعی اوست.<sup>۴</sup> محمدجواد باهنر در کتاب *انسان و خودسازی* بیان می‌کند که «شرایط طبیعی و شرایط محیطی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی برای شکل دادن به خصلت‌های انسان‌ها نقش بسیار اساسی دارد و حتی برای برداشت و نوع قضاوت درباره ارزش‌ها نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند... محیط انسان را می‌سازد و اصول و ارزش‌هایی را به وجود می‌آورد و آنها را به شخص تلقین می‌کند.»<sup>۵</sup> شهید بهشتی در کتاب *محیط پیدایش/اسلام* در خصوص ضرورت شناخت محیط و شرایط زمانی و مکانی یک اندیشه، مکتب یا حتی شناسایی افراد تأکید می‌کنند:

حقاً شناسایی محیط پیدایش هر چیزی، در بهتر شناختن خود آن چیز خیلی اثر دارد. ممکن است ما از بعضی چیزها، شناسایی سطحی داشته باشیم بدون این که بدانیم متعلق به کجاست و در چه شرایطی به وجود آمده است ولی شناسایی عمقی یک موجود یا پدیده بستگی تام به شناسایی محیط پیدایش آن موجود و پدیده دارد. حتی درباره شناسایی افراد، یا شناسایی پدیده‌های صنعتی یا هنری یا اجتماعی، این حکم تقریباً کلی است.<sup>۶</sup>

ایشان در جایی دیگر اذعان می‌کنند:

۱. سید محمد حسینی بهشتی، *شناخت از دیدگاه فطرت*، تهران، بقعه، ۱۳۹۰، ص ۱۷.

۲. عبدالرحمن عالم، *تاریخ فلسفه سیاسی غرب*، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۵، ص ۱؛ رک: محمدحسین جمشیدی، *رخ‌اندیشه: روش‌شناسی شناخت اندیشه‌های سیاسی*، تهران، کلبه معرفت، ۱۳۸۵، ص ۱۲۸-۱۲۴.

۳. محمدحسین فرجاد، *اصول و مبانی جامعه‌شناسی*، تهران، اساطیر، ۱۳۷۶، ص ۵۳.

۴. مرتضی مطهری، *مجموعه آثار شهید مطهری*، تهران، صدرا، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۲۲۷.

۵. محمدجواد باهنر، *انسان و خودسازی*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۴-۱۰۳.

۶. سید محمد حسینی بهشتی، *محیط پیدایش/اسلام*، تهران، بقعه، ۱۳۸۷، ص ۳۹.



آیا واقعاً همه محیط‌ها برای شکوفایی و باروری انسان یکسان است؟ نه! محیط‌هایی هستند که باروری و رشد نیک‌خواهی، خیرخواهی و خداخواهی انسان را آسان‌تر می‌کنند. میدان‌ها و محیط‌هایی هستند که بعد شیطان‌پرستی، هواپرستی، خودپرستی، تبه‌گرایی و تباهی‌گرایی انسان را آسان‌تر می‌کنند. اینجاست که اسلام انگشت می‌گذارد بر اینکه ضرورت دارد محیط اجتماعی اصلاح بشود.<sup>۱</sup>

لاجرم بررسی شرایط محیطی و زندگی سیاسی و اجتماعی ایشان در فهم اندیشه‌هایشان تأثیرگذار خواهد بود.

سید محمد حسینی بهشتی در سال ۱۳۰۷ در یکی از خانواده‌های اصیل روحانی اصفهان به دنیا آمد.<sup>۲</sup> دوران کودکی ایشان همراه با تحولات سیاسی اجتماعی آغاز سلطنت غاصبانه رضاخان سپری شد و دوران تحصیلات ابتدایی و متوسطه ایشان با موجی از گرایش‌های فکری گوناگون که در آن روزگار جامعه ایران را در بر گرفته بود، همزمان می‌باشد. هنگامی که شهید بهشتی دوره مقدمات و سطح علوم اسلامی را در حوزه علمیه اصفهان می‌گذراند، چه در درون حوزه و چه در میان مردم به تجربه تحولات سیاسی اجتماعی می‌پرداخت و با مطالعه مکتب‌های گوناگون وارداتی که آن روزها بازارشان داغ بود، داده‌های فکری آن مکتب‌ها را با توجه به آگاهی‌های عمیقی که از همان دوره به دلیل استعداد سرشار و علاقه و پشتکار فراوان به مطالعه و تحقیق نسبت به علوم اسلامی داشت محک می‌زد.<sup>۳</sup> ایشان از همان دوران کودکی و نوجوانی، به جای پرداختن به بازی و تفریح، به یادگیری قرآن و معارف می‌پرداختند.<sup>۴</sup> از سن چهار سالگی شروع به تحصیل علم در مکتب‌خانه نمود و بعد از آن وارد مدرسه ثروت شد.<sup>۵</sup> ایشان در سال ۱۳۲۱ وارد مدرسه صدر شد و پس از تحصیل ادبیات عرب، منطق، کلام و سطوح فقه و اصول، در سال ۱۳۲۵ راهی قم شد و به مدرسه حجتیه رفت. در قم خارج فقه

۱. سید محمد حسینی بهشتی و دیگران، *آزادی، هرج و مرج و زورمداری*، تهران، بقیعه، ۱۳۸۶، ص ۵۴.  
 ۲. سید محمد حسینی بهشتی، *زندگی‌نامه و خدمات فرهنگی مرحوم شهید آیت‌الله دکتر سید محمد حسینی بهشتی*، «زندگی‌نامه آیت‌الله بهشتی»، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۹۴، ص ۱۶-۱۵.  
 ۳. مسیح مهاجری، *جاودانه تاریخ: آشنایی با افکار و اندیشه‌های شهید مظلوم آیت‌الله بهشتی*، تهران، روزنامه جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰، ج ۸، ص ۴۱.  
 ۴. رک: علی‌علیزاده، *دیدار با ابرار*، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴، ص ۳۲-۳۱.  
 ۵. در خصوص دوران نوجوانی شهید بهشتی رک: غلامعلی رجایی، *سیره شهید دکتر بهشتی*، تهران، شاهد، ۱۳۸۰؛ امامعلی شعبانی، *تاریخ شفاهی زندگانی و مبارزات آیت‌الله شهید دکتر بهشتی*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷؛ ناصر طاهرنیا، *شهید بهشتی*، تهران، شرکت افست سهامی عام، ۱۳۸۰؛ و افسانه وفا، *زندگی سید محمد حسینی بهشتی*، تهران، روایت فتح، ۱۳۸۵.



از اولین مؤلفه‌های محیطی تأثیرگذار بر اندیشه شهید بهشتی، شرایط حاکم بر جامعه ایرانی می‌باشد و عملکرد منفی رژیم پهلوی سبب گشت تا ایشان به شدت مترصد تحصیل یک نظام سیاسی مطلوب باشند که منبعث از آموزه‌های اسلامی باشد

و اصول رانزد سید محمد محقق داماد و آیت‌الله خمینی فراگرفت و در درس آیت‌الله بروجردی، سید محمدتقی خوانساری و حجت کوه‌کمری نیز حاضر می‌شد. بخشی از کفایه رانزد مرتضی حائری یزدی و بخش دیگر آن را به همراه مکاسب نزد داماد خواند. درس منظومه منطق و کلام که در اصفهان نیمه‌کاره مانده بود به دلیل کم بودن استاد فلسفه در قم ادامه نیافت و بیشتر به فقه و اصول می‌پرداخت. در کنار تحصیلش در قم، همانند اصفهان، تدریس نیز می‌کرد و مخارج زندگیش را از این راه تأمین می‌کرد. در سال ۱۳۲۷ دیپلم ادبی را با شرکت در امتحان

متفرقه اخذ کرد و به دانشکده علوم معقول و منقول (دانشکده الهیات و علوم اسلامی کنونی) دانشگاه تهران وارد شد. مدرک کارشناسی رشته معقول (فلسفه و حکمت اسلامی) را در سال ۱۳۳۰ از دانشگاه تهران دریافت کرد. عنوان پایان‌نامه او «بساطت یا ترکب جسم» بود که آن را زیر نظر محمود شهبازی با درجه عالی به پایان رساند. بهشتی پس از گرفتن لیسانس تصمیم داشت برای مطالعه فلسفه غرب با بورس تحصیلی‌ای که در آن پذیرفته شده بود به خارج از کشور سفر کند. در آن زمان او در کلاس‌های فلسفه در بحث‌هایی که می‌شد اشکال می‌گرفت، با استاد جدل می‌کرد و استاد نیز به همان شیوه پاسخش را می‌داد و گاه حتی سؤال و جواب‌ها به داد و فریاد کشیده می‌شد. به همین دلیل از فلسفه اسلامی ناامید شده بود. در همان دوره محمدحسین طباطبایی از تبریز به قم می‌آید. بهشتی به این استاد جدید هم‌امیدی نداشت و فقط به خاطر اصرار دوستش مرتضی مطهری، در یک جلسه از کلاس‌های وی حاضر شد. بعد از کلاس اشکالی که به درس وی داشت به او گفت. طباطبایی با دقت به حرف او گوش کرد و با او با آرامش و بدون تعصب و تندی بحث کرد. این برخورد طباطبایی روی بهشتی تأثیر عمیقی گذاشت، به طوری که او از تحصیل در خارج از کشور منصرف شد و به قم بازگشت. در درس‌های اسفار ملاصدرا و شفای ابن‌سینا و نیز جلسات بحث کتاب/اصول فلسفه و روش رئالیسم نزد طباطبایی حضور می‌یافت. در این دوره بخشی از وقتش را به تدریس درس زبان انگلیسی در دبیرستان‌های قم اختصاص می‌داد، از جمله آنها دبیرستان حکیم نظامی بود. در ۱۳۳۳ نیز دبیرستان دین و دانش را در قم تأسیس کرد. در سال ۱۳۳۵ دوره دکتری خود را در رشته فلسفه آغاز کرد. اما با توجه به فعالیت در



قم و مبارزات و سفر به آلمان نتوانست به موقع دوره را به پایان برساند و سرانجام در سال ۱۳۵۳ از پایان نامه دکتری خود تحت عنوان «مسائل مابعدالطبیعه در قرآن» دفاع کرد. در سال ۱۳۳۹ به همراه علی مشکینی، عبدالرحیم ربانی شیرازی و سید محمدرضا گلپایگانی و مدرسین دیگر در صدد برآمدند تا به حوزه علمیه قم سازماندهی بیشتری بدهند. این تلاش به تهیه طرح و برنامه‌ای هفده ساله برای تحصیل علوم اسلامی انجامید و این طرح اساس تشکیل مدارس چون مدرسه حقانی شد.<sup>۱</sup>

البته پرداختن به مباحث علمی، روح تشنه وی را سیراب نمی‌کرد و به فعالیت‌های مدنی و سیاسی هم رغبت زیادی داشت. در جریان نهضت ملی شدن نفت به کنش‌گری پرداخت و شکست نهضت ملی شدن نفت به تجربه عمیقی برای وی تبدیل گشت<sup>۲</sup> و می‌توان از اولین دلایل اهمیت داشتن تشکل و نظام تشکیلاتی در اندیشه شهید بهشتی را واکاوی زمینه‌ها و علل شکست نهضت نفت توسط ایشان دانست. زیرا ایشان بعد از مشاهده شکست نهضت، به فکر تربیت نیروی مستعد برای اهداف ملی پرداخت و دبیرستان دین و دانش نیز ثمره چنین تفکری می‌باشد. ایشان در خصوص کنشگری سیاسی خود در جریان این نهضت و اوضاع زمانه خویش چنین بیان می‌دارد:

در سال ۱۳۲۹ و ۱۳۳۰ که تهران بودم، مقارن بود با اوج مبارزات سیاسی-اجتماعی نهضت ملی نفت به رهبری مرحوم آیت‌الله کاشانی و مرحوم دکتر مصدق. من به عنوان یک جوان معمم مشتاق در تظاهرات و اجتماعات و میتینگ‌ها شرکت می‌کردم. در سال ۱۳۳۱ در جریان ۳۰ تیر به اصفهان رفته بودم و در اعتصابات ۲۶ تا ۳۰ تیر شرکت داشتم و شاید اولین یا دومین سخنرانی اعتصاب که در ساختمان تلگراف‌خانه بود را به عهده من گذاشتند. یادم هست که کار ملت ایران را در رابطه با نفت و استعمار انگلیس با کار ملت مصر و جمال عبدالناصر و مسئله کانال سوئز و انگلیس و فرانسه و اینها، مقایسه می‌کردم. در آن موقع موضوع سخنرانی اخطاری بود به قوام السلطنه و شاه و این که ملت ایران نمی‌تواند ببیند نهضت ملی‌شان مطامع استعمارگران باشد. به هر حال بعد از کودتای ۲۸ مرداد در یک جمع‌بندی به این نتیجه رسیدیم که در

۱. محمدرضا سربندی، سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های آیت‌الله شهید دکتر سید محمد حسینی بهشتی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۲۶-۲۱؛ و حسین رودسری، الگوی حضور؛ نگاهی به سیره شهید بهشتی در عرصه تعلیم و تربیت، تهران، مدرسه، ۱۳۹۳، ص ۴۰-۳۱.  
۲. رک: مسیح مهاجری، «شهید بهشتی، رکن بزرگ انقلاب»، جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۳، ص ۱۲.

آن نهضت، ما کادرهای ساخته شده کم داشتیم، باز این مسئله مفصل است. بنابراین تصمیم گرفتیم که یک حرکت فرهنگی ایجاد کنیم و در زیر پوشش آن کادر بسازیم؛ و تصمیم گرفتیم که این حرکت اصیل اسلامی و پیشرفته باشد و زمینه‌ای برای ساخت جوان‌ها گردد.<sup>۱</sup>

از این رو، تجربه جدی فعالیت در راستای نهضت ملی شدن نفت، بسترهای این مهم را فراهم آورد که بهشتی به یک اندیشمند نهادگرا تبدیل شود. داود فیرحی در کتاب *فقه و سیاست در ایران معاصر*<sup>۲</sup> در این خصوص بیان می‌کند که بهشتی یک عمل‌گرای نظریه‌پرداز و یک نظریه‌پرداز عمل‌گراست. در واقع شخصیت‌های تأثیرگذار این دوره چند نفر بودند، مثل امام موسی صدر یا شهید بهشتی که در میان مرز عمل و نظر کار می‌کردند.<sup>۳</sup> در کتاب *توسعه و تضاد* نیز هم از ایشان به عنوان سازمان‌دهنده‌ای قدرتمند یاد شده است.<sup>۴</sup> البته تمامی وجوه اندیشه ایشان نهادگرا نبود اما بخش مهمی از آرا و بیانات ایشان به گونه‌ای بود که می‌توان ایشان را اندیشمندی نهادگرا در نظر گرفت. کادرسازی‌ها، تربیت نیروهای مؤمن و انقلابی، فعالیت در حزب جمهوری اسلامی ایران، تأسیس مدارس و... نمونه‌هایی از مصادیق این موضوع می‌باشند که جرقه اهمیت کادرسازی‌های فوق، در جریان ملی شدن نفت بود.

در سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۳۸ وارد فضای فرهنگی اجتماعی و مبارزات سیاسی شد. کاری که طلیعه آن در سال ۱۳۳۹ با تأسیس کانون اسلامی دانش‌آموزان و فرهنگیان قم آغاز شد و همراه با دکتر محمد مفتوح و گروهی دیگر از همفکران به سخنرانی و تشکیل جلسات تبلیغی و دینی می‌پرداخت. این فعالیت‌ها سال‌های طولانی سرلوحه کار وی بود و بعد با تألیف و تحقیق در معارف و علوم دینی گسترش یافت. دقت در حیات و شرایط فعالیت فکری و فرهنگی دکتر بهشتی بیانگر این است که وی عالمی نوگرا و نواندیش بود؛ به گونه‌ای که تفاوت منش و مشاغل و کیفیت دانسته‌هایش نیز مؤید همین امر است. او متعلق به همان نسل متعهد و نگرانی از روحانیون بود که در نهایت به اصلاح ساختارهای اجتماعی و سیاسی از طریق انقلاب اسلامی پرداختند و راه کار علمی خویش را نیز در گسترش کار فرهنگی متمرکز کردند. بهشتی عالی‌ترین دوره‌های علوم سنتی در حوزه‌ها را خوانده و به واقع مجتهدی عالی‌رتبه بود. اما از همان ایام، سودای

۱. سید فرید قاسمی، *یادنامه شهید مظلوم آیت‌الله دکتر سید محمد حسینی بهشتی*، قم، حر، ۱۳۶۱، ص ۲۰.  
۲. داود فیرحی، *فقه و سیاست در ایران معاصر*، تهران، نی، ۱۳۹۳، ج ۲، فصل هشتم.  
۳. داود فیرحی، «بهشتی دنبال تعادل در جمهوری اسلامی بود»، *شرق*، ۱۳۹۴/۴/۷، ص ۹.  
۴. فرامرز رفیع پور، *توسعه و تضاد*، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۷، ص ۱۲۲.



نوگرایی و درک مسائل زمان و مقتضیات جدید داشت؛ به همین دلیل رغبتی تام به تحصیل در دانشگاه و آموختن زبان‌های فرنگی نشان داد. در سال ۱۳۴۲، شورای فقهی و سیاسی جمعیت‌های مؤتلفه اسلامی را همراه با استاد مطهری و حجت‌الاسلام انواری و مولایی تشکیل داد و مدرسه علمیه حقانی را به صورت جدید سامان دادند. در سال‌های ۱۳۴۳ و بعداً در سال‌های ۱۳۴۹ و ۱۳۵۰، همراه با دکتر محمدجواد باهنر و دکتر علی گلزاده غفوری و سیدرضا برقی، کتب تعلیمات دینی مدارس راهنمایی و متوسطه را تدوین و تهیه کرد.<sup>۱</sup>

تاسیس کانون دانش آموزان قم با کمک دکتر مفتاح تشکیل هسته تحقیقاتی جهت پژوهش درباره حکومت اسلامی و تنظیم مقالاتی چون «روحانیت در اسلام و در میان مسلمین» مقدمه‌ای بود که شهید بهشتی برای جنبش عظیم سال ۴۲ به رهبری امام خمینی (ره) فراهم آورد. فشار ساواک در سال ۱۳۴۲ منجر به هجرت ناخواسته ایشان از قم به تهران شد. اینجا بود که با توصیه امام خمینی (ره) به عضویت شورای روحانیت و فقاهت هیئت‌های مؤتلفه اسلامی درآمد و هنوز مدتی از اقامتش در تهران نگذشته بود که از سوی حکومت نیز به طور موقت برکنار شد و نتوانست به فعالیت در آموزش و پرورش ادامه دهد. تدبیر آیت‌الله بروجردی برای تأسیس مسجد هامبورگ و تأکید ایشان بر ضرورت فعالیت روحانیون صالح در خارج از مرزهای ایران باعث شده بود تا مراجع تقلید وقت بر اهمیت این موضوع واقف باشند. در آغاز سال ۱۳۴۴، بهشتی با توصیه مراجع تقلید به آلمان رفت تا امام جماعت مسجد هامبورگ شود.<sup>۲</sup> در همان جا بود که با تأسیس مرکز اسلامی هامبورگ و ارسال و تنظیم گزارش‌هایی از مرکز برای مبارزان داخل کشور، مرزهای قیام امام خمینی (ره) را تا مرکز اروپا گسترش داد. از سوی دیگر، با تألیف کتاب‌ها و مقالات اسلامی به زبان‌های اروپایی موج جدیدی از علاقه‌مندی به اسلام را در اروپا باعث شد. حضور دانشجویان انقلابی در اروپای آن روزگار، مرکزی برون مرزی برای پیشبرد اهداف انقلاب به وجود آورده بود. ایرانیان مسلمانی که روزگاری در سودای آموزش علوم و فنون، به مغرب زمین سفر کرده بودند، در ناخودآگاه جمعی‌شان به این نتیجه رسیده بودند که امروز اولویتی فراتر از کسب معارف تجربی و علوم دقیقه دارند. آنها مہیای انقلاب بزرگی می‌شدند که قرار بود مرزهایش، دروازه تمدن بزرگ ایرانی را در نوردد و به بافت سیاسی-اجتماعی

۱. مرضیه سلیمانی، «مردی مقتدر: طرحی از زندگی آیت‌الله دکتر سید محمد حسینی بهشتی»، خردنامه همشهری، ش ۵۵، ۱۳۸۴/۴/۷، ص ۲.

۲. در این زمینه رک: محمدرضا سرابندی، «بهشتی در هامبورگ»، زمانه، ش ۲۴، شهر یور ۱۳۸۳، ص ۸۲-۷۹.

جهانی عرضه شود که هیچ راه دیگری جز کاپیتالیسم و سوسیالیسم پیش روی خود نمی‌دید. مرکز اسلامی هامبورگ پایگاهی برای تبدیل این حس ناخودآگاه به اعتماد به نفس عمومی بود. با آمدن شهید بهشتی، دانشجویان اروپایی دریافتند که گفتمان انقلاب اسلامی، بنیادهای فکری خود را نه از سرمایه‌داران و جمع‌گرایان، که از آیین ارجمندی برمی‌گیرد که آزادی و برابری را در سایه رستگاری بشری تبیین و توصیه

بهره‌مندی شهید بهشتی از متون غربی و آثار بزرگان اندیشه جهان به معنای اقتباس‌گرایی و تأثیرپذیری عمیق از آنها نیست. بلکه ایشان برای شناخت مکاتب و اندیشه‌های رایج جهان و پاسخ به نیازهای بشر امروزی، به سمت و سوی مطالعه و استفاده از آثار متفکران غربی سوق یافتند و با حفظ استقلال رأی و اندیشه که منبعث از منابع اصیل اسلامی و داشته‌های علمی ایشان بود، به نقد و اصلاح آنها نیز می‌پرداختند

می‌کند. حالا دیگر بر ساختن ایدئولوژی اسلامی، نیازی به تقلید از آموزه‌های مارکس و جان استوارت میل نداشت. در تابستان ۱۳۴۸ نیز بهشتی به عراق رفت تا ضمن تجدید بیعت با امام که آن روزها در نجف به سر می‌برد، با بزرگانی چون آیت‌الله سید محمدباقر صدر و آیت‌الله العظمی حکیم دیدار و گفت‌وگو کند. درک نقش و اهمیت فعالیت‌های صدر در سوریه، لبنان و ترکیه باعث شد بهشتی به این کشورها سفر کند و به تحکیم جایگاهی پیردازد که روحانی بلندآوازه شیعه در آن سرزمین‌ها برای اسلام و تشیع فراهم آورده بود.<sup>۱</sup>

شهید بهشتی در مدت اقامت در آلمان ارتباط خود را با عناصر مذهبی و مبارز داخل کشور حفظ کرد و گزارش و فعالیت‌های خود در مسجد هامبورگ را برای مراجع تقلید ارسال می‌داشت. گزارش‌های ساواک حکایت از نامه‌نگاری‌های متعدد در مورد فعالیت و نحوه اقدامات شهید بهشتی در شهر هامبورگ برای دوستان و بستگانش و حتی روحانیونی از جمله محمدتقی فلسفی، محمدتقی مصباح یزدی، عبدالکریم میری، میرمحمدباقر مدرسی و سید صدرالدین جزایری دارد که در آن همچنین اشاراتی به وضع دانشجویان ایرانی و مسلمان در هامبورگ نموده است. بر همین اساس، نامه‌های ارسال شهید بهشتی به ایران توسط ساواک کنترل می‌شد و بدین ترتیب فعالیت‌های ایشان تحت نظر قرار می‌گرفت. البته دکتر بهشتی بدون هراس از این گونه نظارت‌ها مبارزات خود را در راستای اقدامات فرهنگی همچنان دنبال می‌کرد. از جمله آن مرحوم

۱. هدی ملکی، بازخوانش یک شخصیت ماندگار؛ نگاهی به زندگی سید محمد حسینی بهشتی، تهران، پیام آزادی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۷-۱۶.



در یک انجمن علمی و ادبی که دسته‌ای از فارغ‌التحصیلان ایرانی در هامبورگ تشکیل دادند یک بحث علمی درباره رابطه علم و دین اسلام ایراد کرد که در شنوندگان تأثیر بسیاری داشت. تمام این فعالیت‌ها و سخنرانی‌ها دلایلی بود که دستگاه امنیتی رژیم پهلوی پس از بازگشت آیت‌الله بهشتی به ایران مانع خروج ایشان به آلمان شود. شهید آیت‌الله دکتر بهشتی پس از بازگشت به ایران، مبارزه علیه رژیم پهلوی را در شکل‌های گوناگون تا پیروزی انقلاب اسلامی ادامه داد.<sup>۱</sup>

ایشان از اصلی‌ترین عناصر روحانیت مبارز بود که در سازماندهی تظاهرات و راهپیمایی میلیونی در سال ۵۶ و ۵۷ مهم‌ترین نقش را داشت. در آبان ۱۳۵۷ شهید بهشتی بعد از هجرت امام از عراق به فرانسه، سفری به پاریس کرد و به زیارت امام نائل شد و هسته اصلی شورای انقلاب اسلامی که شهید بهشتی و شهید مطهری اولین و اصلی‌ترین عناصر آن بودند در همان سفر تشکیل شد. بازگشت ایشان از پاریس با محرم خونین ۱۳۵۷ قرین بود و در روزهای تاسوعا و عاشورای همین محرم بود که او با سخنرانی‌های بسیار مهم خود در خیابان و میدان آزادی و اعلام خلع شاه از سلطنت، فصل جدیدی در مبارزات علیه دربار منحوس پهلوی گشود. پس از رخ نمودن همین تحول بود که شاه مزدور تصمیم به فرار گرفت و سرانجام مبارزات مردم با رهبری امام خمینی (ره) در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به پیروزی رسید. لازم به ذکر است که شهید بهشتی در فاصله سال‌های ۴۹ تا ۵۷ سه بار توسط ساواک دستگیر و به زندان افکنده شد که آخرین آن روزهای دهه اول محرم ۵۷ بود.<sup>۲</sup>

بعد از پیروزی انقلاب و تشکیل شورای انقلاب، شهید بهشتی یکی از مؤثرترین و فعال‌ترین و با استقامت‌ترین افراد شورای انقلاب بودند و نیز با رأی مردم تهران به مجلس خبرگان راه یافت و همچنین از سوی امام خمینی (ره) به ریاست دیوان عالی کشور برگزیده شد. شهید بهشتی همچنین با تعدادی از افراد مؤمن و معتقد، حزب جمهوری اسلامی ایران را تأسیس نمودند و ایشان را به دبیر کل حزب برگزیدند و تا لحظه شهادت در این سمت بودند.<sup>۳</sup> در عین حال، تحولات سیاسی و اجتماعی ایران در کنار مقتضیات جهانی نظیر مکاتب مارکسیستی، دگرذیسی در سبک زندگی ملت‌ها، روی آوردن به نحله‌های فکری نیهیلیستی و... بر اندیشه سیاسی ایشان تأثیر گذاشتند که در ادامه به بررسی این رخدادها و جریان‌های تأثیرگذار می‌پردازیم.

۱. محمد رضا سربانندی، «بهشتی در هامبورگ»، همان، ص ۸۲-۸۰.

۲. مسیح مهاجری، *جاودانه تاریخ*، همان، ص ۵۴-۵۳.

۳. سید فرید قاسمی، همان، ص ۲۸.

## الف. تجربه رژیم پهلوی و نظام سیاسی غیر اسلامی

از اولین مؤلفه‌های محیطی تأثیر گذار بر اندیشه بهشتی، شرایط حاکم بر جامعه ایرانی می‌باشد و عملکرد منفی رژیم پهلوی سبب گشت تا ایشان به شدت مترصد تحصیل یک نظام سیاسی مطلوب باشند که منبعث از آموزه‌های اسلامی باشد و در آن هیچ گونه نشانه‌ای از سلب آزادی، استبداد، نفی دین، ظلم و تعدی علیه حقوق انسانی شهروندان، قالبی بودن، تک‌حزبی بودن، فساد و... نباشد. به همین منظور، مواجهه ایشان با رژیم پهلوی تأثیر عمیقی بر نحوه نگرش ایشان بر نوع نظام سیاسی گذاشت به گونه‌ای که موجب شد ایشان به فکر طراحی الگوی مطلوب حکومت اسلامی بیفتد. شهید بهشتی در خصوص پرداختن به موضوع حکومت اسلامی و نظام سیاسی اسلامی می‌فرماید:

ما همواره به مسئله سامان دادن به اندیشه حکومت اسلامی و مشخص کردن نظام اسلامی علاقه‌مند بودیم و این را به صورت یک کار تحقیقاتی آغاز کردیم. این کارهای مختلف بود که به حکومت گران آمد و من را ناچار کردند به تهران بیایم. که در تهران نیز آن همکاری را با قم ادامه می‌دادیم. بعد از چند ماه، فشار دستگاه کم شد. باز گاهی آمد و شد می‌کردیم، هم برای مدرسه حقانی و هم برای همین جلسات حکومت در اسلام که البته بعدها ساواک اینها را گرفت و دوستان ما را تار و مار کرد.<sup>۱</sup>

هر حرکت اجتماعی که به منظور اصلاح جامعه شکل گیرد دو هدف عمده را دنبال می‌کند: نخست، رفع موانع و تخریب ساختارهای ناپه‌نجا؛ و دوم، ایجاد زیربناها و ساختارهای جدید. آن تخریب و این ایجاد بر مبنای ملاک‌ها و معیارهایی صورت می‌پذیرد که بر اساس آنها حرکت از وضع موجود به وضع مطلوب شکل می‌گیرد. انقلاب اسلامی ایران نیز، که پس از به بن بست کشاندن حرکت‌های اصلاح‌طلبانه توسط پهلوی‌ها با هدف رفع موانع اصلاح و برپایی جامعه‌ای که زمینه‌ساز رشد و تعالی انسان‌ها باشد صورت گرفت، دو هدف اساسی داشت: یکی محو پایه‌های ظلم، ستم، بی‌عدالتی، اختناق و سرکوب؛ و دیگری تصحیح و تشکیل نهادها و ساختارهای جامعه‌ای متفاوت. از همین رو، پاسداری از آزادی‌های فردی و اجتماعی در برابر توسعه‌طلبی گروه‌های فشار و سلطه‌طلبی حکومت، از جمله مهم‌ترین دغدغه‌های فکری و عملی رهبران و فعالان

۱. سید محمد حسینی بهشتی، «و به تنهایی یک امت بود، راست قامتان جاودانه تاریخ اسلام،» «و به اوست که سوگند می‌خورم سازش نمی‌کنم»، تهران، واحد فرهنگی بنیاد شهید، ۱۳۶۱، ص ۶۱.



شهید بهشتی معتقد است که طغیان تمایلات و انگیزه‌های مادی موجب تباهی و سقوط تمدن و جامعه انسانی خواهد شد

انقلاب و به خصوص شهید بهشتی بود.<sup>۱</sup> با این اوصاف، شهید بهشتی طی سال‌های اولیه تحصیل در قم و اواخر دهه ۱۳۲۰ شمسی یکی از دغدغه‌های اصلی‌اش را وضعیت جامعه سیاسی پیرامونش تشخیص دادند که نمونه‌ها در زندگی ایشان زیاد است. در اوایل دهه

۱۳۳۰ یک کارگروه در قم در حوزه علمیه با شرکت جمعی از فضلا برای مطالعه ماهیت حکومت اسلامی تشکیل دادند. بعدها به دلایل حساسیت سازمان امنیت وقت، کار این گروه متوقف می‌شود و در برخی از یورش‌هایی که به خانه‌های اعضا می‌شد فیش‌های این کار هم ضبط شد. ولی شهید بهشتی برخی از مباحث آن را در نشریه مکتب تشیع با عنوان «حکومت در اسلام» به چاپ رساند. بعد از آن شهید بهشتی باز هم در باب حکومت اسلامی به تعمق می‌پردازد و بالأخره می‌انجامد به تشکیل حزب جمهوری اسلامی و به شکل بارزتر در قانون اساسی آمده است. بنابراین شهید بهشتی نزدیک به سه دهه، دغدغه ماهیت حکومت را داشته و روی آن کار جدی نظری و عملی هم انجام داده و اینطور نبوده که بر اثر وقوع انقلاب این موضوع به فکرش خطور کرده باشد.<sup>۲</sup> ایشان در سال ۱۳۳۸ مسائل حکومت در اسلام را به بحث می‌کشاند و با دیگر سیستم‌های حکومتی جهان مقایسه می‌کند و با بیانی رسا و شیوا در سال‌های خفقان و دیکتاتوری شاهنشاهی، مسائل حکومتی را در مکتب اسلام بررسی می‌نمایند.<sup>۳</sup>

### ب. هجرت به آلمان و آشنایی با اندیشمندان و افکار گوناگون

شهید بهشتی بنا بر ضرورت و با اصرار مراجع تقلید به هامبورگ سفر نمود تا در مسجدی که توسط مرحوم آیت‌الله بروجردی بنیان گذارده شده بود و محل تجمع مسلمانان هامبورگ بود، به فعالیت و هدایت و ارشاد پردازد. البته انگیزه اصلی هجرت شهید بهشتی به خارج از کشور همان احساس نیازی بود که مسلمانان هامبورگ به وجود یک روحانی مبلغ و محقق داشتند. شهید بهشتی در آن دیار احساس می‌کرد که جوانان مسلمان نیاز شدیدی به یک تشکیلات اسلامی دارند و در برابر سازمان‌های الحادی که به اغوای دانشجویان می‌پرداختند، وجود چنین سازمان و تشکیلاتی بیشتر ضروری می‌نمود. با این بینش، اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا توسط

۱. سید محمد حسینی بهشتی و دیگران، آزادی، هرج و مرج و زورمداری، همان، ۱۳۹۰، ص ۷.

۲. علیرضا بهشتی، «مبانی عقلانی مشروعیت حکومت»، اعتماد ملی، ۱۳۸۷/۴/۲۴.

۳. سید محمد حسینی بهشتی، حکومت در اسلام، قم، معراج، ۱۳۳۸، ص ۳.



شهید بهشتی بنیان نهاده شد و فعالیت‌های اسلامی سامان گرفت.<sup>۱</sup> شهید بهشتی با ایراد سخنرانی، سازماندهی، سمینارهای اسلامی، تهیه جزوات، رهنمودهای تشکیلاتی و در مواردی کمک مالی از مسجد هامبورگ، دانشجویان مسلمان ایرانی را ارشاد می‌نمود. علاوه بر فعالیت‌های فوق، «مرکز اسلامی هامبورگ» با رهنمودهای آن عالم متفکر راه هدایت و راهنمایی مسلمانان ایرانی را طی می‌نمود. همین مرکز بود که بارها از جانب شاه برای دیدار از آن تلاش و تقاضا به عمل آمد، ولی هر بار شهید بهشتی مانع اینکار می‌شد تا اینکه سرانجام شاه به کمک پلیس آلمان به مرکز اسلامی هامبورگ رفت تا بدین ترتیب علاوه بر تظاهر به اسلام، شهید بهشتی را نیز لکه‌دار نماید، لکن وقتی به آنجا رفت متوجه شد شهید بهشتی قبل از آمدن او به شهری دیگر رفته تا بدین وسیله نقشه او را نقش بر آب نماید. شهید بهشتی بیش از پنج سال در آلمان به سر برد و در سال ۱۳۴۹ به ایران آمد.<sup>۲</sup> از جمله اقدامات شهید بهشتی در آلمان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- تدوین پیش‌نویس اساسنامه اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان اروپا (گروه فارسی‌زبانان)؛

- دادن هویت مستقل به انجمن اسلامی دانشجویان فارسی‌زبان؛
- مناظره با سران کلیسا: ایشان مناظره مهمی با اسقف اعظم اتریش در حضور دانشجویان دانشگاه وین داشت که با استدلال قوی آن را به نفع اسلام تمام کرد؛
- راه‌اندازی نشریه مکتب مبارز و قدس به سفارش ایشان و توسط اعضای ایرانی اتحادیه در مقابل هفته‌نامه اعضای حزب توده ایران در اروپا. نشریه مکتب مبارز موجب انسجام دانشجویان مسلمان ایرانی در برابر گروه‌های غیر مذهبی شد؛
- دور ننگ داشتن اتحادیه انجمن‌های اسلامی در آلمان از آسیب ساواک؛
- تألیف کتاب نماز چیست و چاپ آن در آلمان و ایران؛
- مناظره با توده‌ای‌ها<sup>۳</sup> و غیره.

ارسال و تنظیم گزارش‌هایی از مرکز اسلامی هامبورگ برای مبارزان داخلی، تهیه کتاب *صدای اسلام در اروپا* و تنظیم مقاله‌های «کدام مسلک» و «نقش ایمان در زندگی

۱. در خصوص اتحادیه انجمن‌های اسلامی و برنامه‌ها، پیام‌ها و سیاست‌گذاری‌های شهید بهشتی رک: سید محمد حسینی بهشتی، *اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا*، تهران، بقعه، ۱۳۹۰.  
 ۲. «برگ‌هایی از زندگی و مبارزات شهید بهشتی»، *پاسدار اسلام*، س ۲۷، ش ۳۱۹، تیر ۱۳۸۷، ص ۳۱-۲۸.  
 ۳. رقیه بیگ‌زاده، «جوان از دیدگاه شهید مظلوم آیت‌الله دکتر محمد حسینی بهشتی»، پایان‌نامه سطح دو حوزه علمیه، قم، شورای عالی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۳، ص ۲۲-۱۹؛ و گزارشی خواندنی از ایام اقامت شهید دکتر بهشتی در آلمان، معارف، ش ۳۷، مرداد ۱۳۸۵، ص ۱۹-۱۸.



اسلام» از فعالیت‌های علمی دیگر ایشان در این سفر است.<sup>۱</sup> علاوه بر فعالیت‌های علمی و اجرایی ایشان در آلمان، می‌توان آشنایی با فلاسفه و متفکران غربی را یکی از ثمره‌های سفر ایشان به آلمان دانست. به عنوان مثال، ایشان می‌فرمایند:

زبان آلمانی را هم در سال‌های اقامت در آلمان یاد گرفتیم و از منابع علمی آلمانی مخصوصاً در زمینه اقتصاد و فلسفه استفاده شایان می‌کنم.<sup>۲</sup>

شهید بهشتی به مطالعه عمیق مارکس و اثر کاپیتال به زبان اصلی یعنی آلمانی پرداختند. محمد پیشگاهی فرد در یکی از خاطرات خویش از تسلط ایشان بر مباحث مارکسیسم این گونه بیان می‌کند که:

چند ماهی از انقلاب نگذشته بود که پس از فوت آیت‌الله طالقانی، مسعود رجوی از آیت‌الله بهشتی تقاضای ملاقات کرد و آیت‌الله بهشتی او را در منزلش پذیرفت و آن‌طور که خود شهید بهشتی می‌گفت جلسه مفصلی با مسعود رجوی داشته است. رجوی در آن ملاقات تقاضا کرده بود با توجه به مجموعه‌ای که در مملکت داریم، به لحاظ سابقه مبارزاتی و اشراف بر مسائل سیاسی و اقتصادی و موقعیت اجتماعی شما، در نظر داریم با شما ارتباط برقرار نموده و بیعت نماییم. منتهی شرایط و نظریاتی داریم و آقای بهشتی گفته بودند: اختلافات ما با شما یک اختلافات صوری و سطحی نیست بلکه اختلافات عمیق بوده و از اعتقادات اصولی سرچشمه می‌گیرد. آن‌طور که خود شهید برایم تعریف کرد، ایشان درباره اسلام‌شناسی با رجوی بحث کرده بود؛ به ویژه مباحثی که بعد از جدایی اپورتونیست‌ها<sup>۳</sup> به وجود آمده بود و رجوی رهبری آن جریان را به عهده داشت. البته ایشان فرمودند که من در مباحث اسلامی به دلیل عدم تسلط رجوی چندان وارد نشدم؛ اما به او گفتم آقای رجوی، اشکال من بر شما در این است که حتی مارکسیسم را هم نشناخته‌اید. این سخن تعجب او را برانگیخته و از این رو در این زمینه با من وارد بحث شد. به او گفتم: شما این زیربنای اقتصادی مارکسیسم

۱. رک: فرشته مرادی، نگاهی به زندگی و مبارزات شهید دکتر بهشتی، تهران، میراث قلم، ۱۳۸۷، ص ۵۱.

۲. سید محمد حسینی بهشتی، زندگی‌نامه و خدمات فرهنگی مرحوم شهید آیت‌الله دکتر سید محمد حسینی بهشتی، همان، ص ۲۶.

۳. فرصت‌طلبی و در پی فرصت مناسب بودن برای رسیدن به اهداف شخصی بدون اعتقاد به اصولی خاص.

راز چه کتابی گرفته‌اید؟ گفت: از کتاب *کاپیتال مارکس*. گفتیم: از کدام نسخه است؟ متأسفانه اشتباهات زیادی در ترجمه نسخه آلمانی به زبان انگلیسی وجود دارد و اگر شما به کتاب اصلی به زبان آلمانی مراجعه کنید، متوجه می‌شوید که خیلی اشتباهات اساسی در تعریف اقتصاد مارکس وجود دارد. من این تفکر اشتباه را در تحلیل‌های شما دیده‌ام. سپس از رجوی تعریف ارزش اضافی در اقتصاد را خواسته بود. رجوی تعریفی ارایه داده بود که شهید بهشتی گفته بود: اشکال ما همین جا است. شما اصلاً مارکسیسم را نشناخته‌اید و تعریف ارزش اضافی این نیست. این تعریف از ترجمه شده کتاب *کاپیتال* به زبان انگلیسی گرفته شده است، ولی من اصل آن را برایتان می‌خوانم. سپس کتاب آلمانی *کاپیتال* مارکس را آورده و آن را خوانده و ترجمه کرده بود. آنگاه رو به او کرده بود، گفته بود: اختلاف ما با شما این است که شما هنوز اصول را نمی‌دانید. شما با یک سری شعار آمده، میناهایی را به عنوان اسلام‌شناسی، اقتصاد اسلامی و اقتصاد مارکسیستی با هم خلط کرده و آن را مبنای ایدئولوژیک خود قرار داده‌اید. ما به طور کلی اینها را قبول نداریم. شما باید همه اینها را زمین گذاشته و اسلام را از منظر اصول خودش شناخته و به آن عمل کرده، تبلیغ و تبیین کنید. در این صورت ما حاضریم با شما صحبت و بحث کنیم و این رویه را ادامه بدهیم تا به یک نقطه‌ای برسیم.<sup>۱</sup>

مطالب فوق، گویای واقف بودن بهشتی به ابعاد گوناگون مکتب لیبرالیسم و مارکسیسم است. البته ایشان در حوزه‌های تربیتی، فرهنگی و روانشناسی هم از اندیشمندان غربی بهره برده‌اند. به عنوان نمونه، ایشان به آثار ویلیام جیمز<sup>۲</sup> نیز رجوع داشته‌اند و حتی مقاله‌ای از ایشان به عنوان «عادت» را ترجمه کرده‌اند که در کتاب *نقش آزادی در تربیت کودکان* نیز آمده است.<sup>۳</sup> علاوه بر این، مطالعه کتاب *اسلام اثر پرفسور گرنبوم*<sup>۴</sup> بر ایشان تأثیری مثبت داشت و حتی بازبینی و نگارش کتاب *حکومت در اسلام* را باعث گردید و

۱. رضا مختاری اصفهانی، *خاطرات محمد پیشگاهی فرد*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵، ص ۲۰۳-۲۰۱.

۲. ویلیام جیمز، «عادت»، ترجمه محمد حسینی بهشتی، مکتب تشیع، ش ۳، خرداد ۱۳۴۰، ص ۱۴۳-۱۲۷.

۳. سید محمد حسینی بهشتی، *نقش آزادی در تربیت کودکان*، تهران، بقعه، ۱۳۹۰، ص ۱۰۶-۹۳.

4. G. E. Von Grunebaum



همان گونه که بهشتی در مقدمه این کتاب آورده است:

چندی پیش به یک کتاب انگلیسی برخوردیم که اسم آن/اسلام و به تعبیر مؤلف، مجموعه مقالاتی بود که درباره ماهیت یک میراث تمدن و فرهنگ و توسعه و تکامل آن نوشته شده بود... همه مقالات کتاب، از جمله مقاله حکومت در اسلام مشتمل بر مطالب جالب و ارزنده‌ای بود که از کثرت مطالعه و علاقه وافر مؤلف به تحقیق در مسائل مربوط به اسلام حکایت می‌کرد و حقایق مطالعه وسیع آن هم از یک اسلام‌شناس غربی در خور تقدیر و ستایش است. با این حال، در مقالات مختلف کتاب، نارسایی‌هایی وجود داشت که نیازمند توضیح یا در خور انتقاد بود. مطالعه این مقاله سبب شد که نگارنده به دنبال یادداشت‌هایی که تقریباً دوازده سال پیش هنگام بحث از حکم نماز جمعه و ارتباط آن با مقام حکومت کرده بودم، مسئله حکومت در اسلام را از جهات مختلف مجدداً مورد مطالعه و بررسی قرار دهم. نتیجه این مطالعات که مشتمل بر نظر اسلام درباره اجتماع، حکومت، نوع حکومت، سهم مردم در حکومت و مقایسه این نظر با بحث‌های متداول حقوقدانان و جامعه‌شناسان درباره حکومت است، در چند قسمت تدوین و تنظیم گردیده است.<sup>۱</sup>

به هر روی، نمی‌توان این موضوع را نادیده گرفت که مطالعه آثار اقتصادی، سیاسی، فلسفی، تربیتی و روانشناسی و غیره توسط شهید بهشتی در طی حضورشان در آلمان، بر آرا، جهت‌دهی به تفکر و اندیشه‌های ایشان تأثیرگذار بوده است. به عنوان مثال، پرداختن به موضوعاتی نظیر لیبرالیسم، نقد تفکرات آزادمنشانه افراطی، تشریح دیدگاه‌های سیاسی هگل و... نشان می‌دهد که برخورد داشته‌های فکری شهید بهشتی با نظام و دستگاه فکری و سیاسی آلمانی باعث شد ایشان به فکر مقابله با برخی اندیشه‌های رایج در آلمان که در جهان پایگاه‌های قوی‌ای داشتند، بیفتند. باید توجه داشت که بهره‌مندی ایشان از متون غربی و آثار بزرگان اندیشه جهان به معنای اقتباس‌گرایی و تأثیرپذیری عمیق از آنها نیست. بلکه ایشان برای شناخت مکاتب و اندیشه‌های رایج جهان و پاسخ به نیازهای بشر امروزی، به سمت و سوی مطالعه و استفاده از آثار متفکران غربی سوق یافتند و با حفظ استقلال رأی و اندیشه که منبعث از منابع اصیل اسلامی و داشته‌های علمی ایشان بود، به نقد و اصلاح آنها نیز می‌پرداختند. به عنوان مثال می‌توان

۱. سید محمد حسینی بهشتی، حکومت در اسلام، همان، ص ۴-۶.

به جلسات نقد و بررسی افکار فیلسوف آلمانی هگل و یا مارکس اشاره کرد.

### پ. مادی‌گرایی افراطی انسان معاصر

نباید این سنت الهی را از نظر دور داشت که سرنوشت ملت‌های صرفاً مصرف‌کننده، هلاکت و نابودی است. شهید بهشتی معتقد است که طغیان تمایلات و انگیزه‌های مادی موجب تباهی و سقوط تمدن و جامعه انسانی خواهد شد و چنین بیان می‌دارد که انسان‌ها دارای دو سرشت خاکی و الهی هستند و در عین حال

تمایلات گوناگون و انگیزه‌های متفاوتی دارند. با طغیان و افراط در این تمایلات نظیر سودجویی، جاه‌طلبی، خودخواهی، شهوت‌پرستی، قدرت‌طلبی و مادی‌گرایی، موجبات تباهی فرد و جامعه فراهم می‌شود.<sup>۱</sup> از این رو، امیال شهوانی انسان‌ها اگر کنترل نشوند زمینه‌ساز عصیان فرد و جامعه علیه ارزش‌های انسانی و روی آوردن به سوی مادیات می‌شود.

همان‌گونه که بهشتی بیان می‌کند در نهاد و سرشت انسان عوامل متضادی آفریده شده و تمایلات گوناگونی در نهادش قرار داده شده است. خواسته‌ها و امیال او بسیار متنوع و متضادند؛ یک دسته از امیال و خواسته‌های او متوجه هواها و هوس‌ها از قبیل آنچه امیال صرفاً حیوانی نامیده می‌شود که هدفش بهره‌مندی از خوردنی‌ها، آشامیدنی‌ها، دیدنی‌ها و لذت‌هاست، می‌باشد و در مقابل این امیال و خواسته‌ها تمایلات نیرومند دیگری به او داده شده که وی را از منطقه خطر دور می‌کند و به جایی برتر و بالاتر کشانده و به زندگی معنوی، عقلانی، نورانی و انسانی دعوت می‌کند. توانایی‌ها و نیروها و اراده انسان در میان این دو دسته امیال و خواسته‌های متضاد و مختلف دائم در حال تشنج و اضطراب است. یک انسان را ملاحظه می‌کنید، می‌خواهد کاری را انجام دهد، می‌بینید بی‌تأمل و خیلی سریع آن را انجام می‌دهد، چون این کار از کارهای عادی اوست و به آن عادت کرده است. جنگ میان هواها و هوس‌ها و میان زندگی معنوی، میان مادی‌گری و معنویت در درون انسان از همان روز ازل نهاده شده و پایه زندگی‌اش را بر مبارزه گذاشته است. در راه خواسته‌ها و هدف‌های یک انسان مشکلات و موانع بی‌شماری هست، که چون به برخورد

۱. سید محمد حسینی بهشتی، درس‌گفتارهای فلسفه دین، تهران، بقعه، ۱۳۹۲، ص ۳۲۴.

شهید بهشتی از منتقدان جدی نظام سرمایه‌داری بودند و ضمن مخالفت با رفاه‌زدگی ناشی از سرمایه‌داری، بیان می‌کنند که باید افراد را از الیناسیون اقتصادی برهانیم و اخلاقیات را در زندگی جاری نماییم به گونه‌ای که ارتباط محکمی بین اقتصاد، اخلاقیات و معنویت برقرار گردد و این بدان معناست که باید انسانی متعادل و عادل بسازیم



با آنها عادت کرده ایم معمولاً وجود آنها را به خوبی حس نمی کنیم. اگر کمی دقیق تر حساب کنید در زندگی روزمره و روزانه خودتان روزی چند بار باید با این موانع برخورد و مبارزه و جنگ کنید.<sup>۱</sup> با این اوصاف، جامعه انسانی باید به جنگ با امیال بی نهایت بشتابد و مانع فروپاشی ارزش ها گردد. با وجود تکرار چنین هشدارهایی از سوی متفکران غربی، جوامع لیبرال دموکراسی و نظام سرمایه داری در مادی گرایی غوطه ور هستند و هر روز در راستای امور مادی بیشتر نیز گام برمی دارند و این موضوع یکی از بحران های انسان معاصر می باشد که در شرایط زمانی شهید بهشتی هم وجود داشت و همین خطر و بحران بود که ایشان در یکی از مهم ترین آثار خویش به نام *شناخت/اسلام*، با موضوع «انسان عصر ما» و «جانورانی حریص» شروع به آغاز مباحث خویش می نمایند.

ایشان در ابتدای کتاب *شناخت/اسلام* بیان می دارند:

تمدن مادی امروز همواره با گره گشایی هایی بس ارزنده که از زندگی بشر کرده و توانایی های خیره کننده که در مقابله با طبیعت به او داده، در زمینه افزون خواهی مادی آن قدر فلسفه بافته، شعر و ترانه یا سرود مقدس خوانده و سر و صدا و غوغا راه انداخته که انسان عصر ما را به صورت جانوری حریص در آورده است که شب و روزش در غم تولید و مصرف و افزایش آن می گذرد و به چیزی جز آن نمی اندیشد. مادی گری و اقتصاددگی چنان در انسان عصر ماریشه دوانده که او را به صورت یک ماشین تولید و مصرف در آورده، یا در حد قوت لایموت یا در طریق دستیابی به زندگی مجهز و لوکس و وسایل تفننی هر چه لوکس تر، و این وضع چنان همه گیر است که زندگی بیشتر انسان های زمان ما، از هر نوع محتوای ارزنده دیگر تقریباً خالی شده است. انسانی که یک روز کرامت خود را در آزادی و آزادی می یافت و در این راه جان فدا می کرد، اینک غلام حلقه به گوش تولید و مصرف شده و همه آزادمندی های خود را به پای این بت زمان قربانی کرده است.<sup>۲</sup>

به همین دلیل، ایشان در ادامه بیان می کنند که هر قدر پیشرفت تمدن مادی بیشتر شده، نیازمندی های مصرفی انسان نیز رو به فزونی گذارده و راه های تأمین این نیازمندی ها، پیچیده تر شده است تا آنجا که بسیاری از مردم، سلامت جسمی و اخلاقی

۱. سید محمد حسینی بهشتی، مبارزه پیروز؛ تاریخ تحلیلی قیام عاشورا، تهران، بقعه، ۱۳۹۱، ص ۱۰-۹.  
 ۲. سید محمد حسینی بهشتی، محمدجواد باهنر و علی گلزاده غفوری، *شناخت/اسلام*، تهران، بقعه، ۱۳۹۰، ص ۳۱-۳۰.

خود را هم در این راه فدا می‌کنند. در جامعه ماده‌گرای امروز همه ارزش‌های عالی انسان به تدریج کنار نهاده شده یا می‌شود و همه چیز، حتی ارزش‌های اخلاقی، تنها در حدود ملاحظات مادی اعتبار و ارزش پیدا کرده است. در بیشتر نقاط دنیا زیربنای واقعی تعلیم و تربیت همین ملاک‌های مادی و اقتصادی، و جهت اصلی برنامه‌های تربیتی و تعلیماتی ساختن انسان‌هایی شده است که بازده اقتصادی بیشتری برای جیب دیگران یا در خدمت اقتصاد و لذائذ مادی هستند.<sup>۱</sup>

به اعتقاد بهشتی، بیشتر جریان‌های برجسته تاریخ از دل جریان‌های ستم‌بار محرومیت‌آفرین به وجود آمده‌اند؛ از جریان‌های رفاه‌آور هم جریان‌های تازه به وجود آمده است. نیهیلیسم غرب، نیهیلیسم و پوچ‌انگاری اروپای غربی، از رفاه مادی پوک و پوچ و بی‌معنی انسان‌های جامعه صنعتی شده و به ثروت و رفاه و لذت و تنوع رسیده اروپای غربی و امریکا برخاست.<sup>۲</sup>

به همین دلایل بود که ایشان از منتقدان جدی نظام سرمایه‌داری بودند<sup>۳</sup> و ضمن مخالفت با رفاه‌زدگی ناشی از سرمایه‌داری، بیان می‌کنند که باید افراد را از الیناسیون اقتصادی برهانیم و اخلاقیات را در زندگی جاری نماییم به گونه‌ای که ارتباط محکمی بین اقتصاد، اخلاقیات و معنویت برقرار گردد و این بدان معناست که باید انسانی متعادل و عادل بسازیم.<sup>۴</sup> به هر روی، ایشان در کتاب *بانکداری، ربا و قوانین مالی اسلام* در خصوص بهره‌مندی‌های زندگی بیان می‌کنند که «انسان اسلام، از بهره‌مندی‌های زندگی برخوردار می‌شود و برای او کشش نیز دارد اما بهره‌مندی از این مواهب در زندگی جاری، در برابر عشق به خدا و عشق به رضای او کشش کمتری دارد. یعنی انسان اسلام، اگر خیلی تکامل یافته باشد، عاشق خداست، عاشق دل‌باخته‌ای که همیشه آن چیز برایش نقش تعیین‌کننده دارد که رضای دوست را به دست آورد.<sup>۵</sup> این مسائل در حالی است که در شرایط زمانی شهید بهشتی، آغاز تبلیغات بسیاری برای مصرف‌زدگی انسان و شیء‌شدگی وی بود که روز به روز در حال گسترش بود و نظام اقتصادی و سیاسی در سطح جهانی بر ساخت انسان‌های حریص، مادی‌گرا و به یک معنا «حیوان صرفاً اقتصادی» تأکید داشتند و این موضوع باعث حساسیت و ناراحتی شهید بهشتی

۱. همان، ص ۳۱.

۲. سید محمد حسینی بهشتی، دکتر شریعتی جست‌وجوگری در مسیر شدن، تهران، بقیه، ۱۳۹۰، ص ۱۷.

۳. علی عرب مازار یزدی، نگاهی دوباره؛ بازخوانی اندیشه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی شهید آیت‌الله دکتر بهشتی، «مؤلفه‌های اصلی نظام اقتصاد اسلامی از دیدگاه شهید بهشتی»، قم، دانشگاه مفید، ۱۳۹۲، ص ۵۰۱.

۴. سید محمد حسینی بهشتی، مسئله مالکیت، تهران، سید جمال، بی‌تا، ص ۳۱-۲۸.

۵. سید محمد حسینی بهشتی، *بانکداری، ربا و قوانین مالی اسلام*، تهران، بقیه، ۱۳۸۷، ص ۸۴.



می گشت زیرا با کرامت انسانی و غایت مندی جامعه انسانی هم خوانی نداشت. ایشان با نگرشی انتقادی چنین وضعیتی را این گونه به تصویر می کشند:

وقتی دائماً به انسان تلقین کنند که او یک حیوان اقتصادی بیش نیست، وقتی با تبلیغ شبانه روزی غنای اقتصادی و افزایش امکانات گوناگون مادی را تنها معیار خوشبختی و تنها نشانه پیشرفت یک ملت یا گروه یا طبقه قلمداد کنند، وقتی شب و روز، بیخ گوش ها و در برابر چشم ها همواره از کیمیای پول، معجزه پول، مشکل گشایی پول و خروارها پول صحبت کنند که از راه شانس یا از طریق غارت مستقیم و غیر مستقیم هم نوعان به دست آید و در راه ارضای مبتذل ترین خواسته های حیوانی صرف شود، خود به خود انسان ها، یا بهتر بگوییم، انسان نماهای عصر ما به جانوران حریصی تبدیل می شوند که شب و روز بی امان و از هر راه شده، در پی پول در آوردن برای مصرف کردن در راه لذت جویی های مادی هر چه بیشتر باشند، غلامان حلقه به گوش تولید و مصرف شوند، زندگی آنها از هر نوع محتوای عالی و ارزنده دیگر که برانده انسان و انسانیت است خالی شود و یکسره به پوچی و ابتذال گراید.<sup>۱</sup>

بنابراین، از آنجایی که شهید بهشتی معتقد به «روبنا بودن اقتصاد و زیر بنا بودن اسلام»<sup>۲</sup> داشتند، مادی زدگی جامعه بشری در عصر خویش را یک آفت جدی می دیدند و علاوه بر این موضوع، به روش ها و راهبردهای اقتصادی هم نقدهای جدی داشتند و در این مسیر، آموزه های دو مکتب مارکسیستی و لیبرالیستی را آفت و تهدیدی جدی در برابر بشریت و آموزه های اقتصاد اسلامی می دانستند که لازم می دانستند در برابر آنها به واکنش و موضع گیری بپردازند و حجم بالای آثار و سخنرانی های اقتصادی ایشان گواهی بر این مدعا است.

### ت. ظهور مکاتب مختلف و گمراهی جامعه انسانی

در دهه ۵۰ و ۶۰ اندیشه های گوناگون در جامعه ایران نقشی تعیین کننده در شکل دهی به جریان های فکری، سیاسی و فرهنگی داشتند و از یک سو، در میان برخی

۱. سید محمد حسینی بهشتی، محمد جواد باهنر و علی گلزاده غفوری، همان، ص ۳۲-۳۱.

۲. سید محمد حسینی بهشتی، سخنرانی های شهید مظلوم بهشتی، «مکتب و تخصص»، تهران، سید جمال بی تا، ص ۶۷.



شهید بهشتی معتقد بودند عصر حاضر، «عصر تزلزل سریع ارزش‌ها» می‌باشد که برخی مکاتب از آنها حمایت می‌کنند و با تأکید بر نسبی‌گرایی، سعی در بی‌ثباتی ارزش‌های انسانی، اخلاقی و اجتماعی دارند و به همین منظور، مقابله با مکاتبی که زمینه‌ساز گمراهی جامعه انسانی می‌شوند، ضروری و حائز اهمیت است

از قشرهای تحصیل کرده فرهنگی و دانشگاهی ایران که به طور مستقیم یا غالباً غیر مستقیم با علوم تجربی سر و کار داشتند به واسطه خلط میان قلمروهای معرفتی، گرایش‌ها به جانب نگرش مبتنی بر اصالت علم (سیانتیسم) پدید آمده بود. به طوری که فراتر از دستاوردهای علم و صنعت، یگانه معیار برای درستی هر اندیشه و سخنی را منوط به تأیید آن از جانب علم یا جامعه عالمان می‌دانست. در این میان، در عرصه تفکر اجتماعی و سیاسی با آن که نظام سلطنتی حاکم بر ایران هیچ‌گونه سنخیتی با اندیشه لیبرال دموکراسی نداشت اما

این اندیشه در میان عده‌ای به عنوان آرمانی مقبول در مغرب‌زمین قلمداد می‌شد که باید جامعه ایرانی برای گام برداشتن در مسیر پیشرفت به جانب آن حرکت کند به ویژه آن که این تفکر را با نوعی کشش به جانب اباحی‌گری نیز همراه و محقق ساخته بود. به دلیل محیط پرفشاری که از سوی نظام حاکم ایجاد شده بود و همچنین به واسطه شعارهای عدالت‌خواهانه مکتب مارکسیسم طیف گرایش‌های فکری چپ به ویژه با پشت گرمی فکری، تشکیلاتی و حتی مالی اردوگاه نظام کمونیسم در میان گروه‌هایی از تحصیل‌کردگان کشور حضوری فعال داشت و عمدتاً از دریچه همین جریان فکری، نگرش تکاملی تاریخی هگلی و ایدئالیسم آلمانی با قرائت نقادانه، بلکه تخریب‌گرایانه مارکسیستی در محیط فکری جامعه حضوری کم‌رنگ داشت.

در برابر چنین طرز نگرشی، اندیشه‌های تحصیل‌گرا (پوزیتیویسم) و عمل‌گرا (پراگماتیسم) توجه جمع قابل ملاحظه‌ای را به خود جلب نمود. به اقتضای فضای فکری پدید آمده گرایش به هیچ‌انگاری (نیهل‌یسم) با برگردان عمده آثار نیچه به زبان فارسی و تألیفاتی دارای همین مضمون از جانب نویسندگان داخلی برای خود جایی را باز کرده بود. در طی سال‌های نزدیک به تدوین کتاب‌های تعلیمات دینی اندیشه‌های اگزیستانسیالیستی به ویژه از طریق ترجمه آثاری از یاسپرس، سارتر و اندک مباحثی پیرامون هایدگر نیز پا به عرصه فکری کشور گذارند. کوشش شهید بهشتی و همراهان ایشان نظیر محمدجواد باهنر، گلزاده غفوری، مفتاح و دیگران این بود تا در چنین فضایی از اندیشه به معرفی دینی بپردازند که از یک‌سو اندیشه‌ها، آرمان‌ها و راهبردهایی



اندیشه‌ها و تقریرات شهید بهشتی از جامعیت کم‌نظیری برخوردار بود. او مجتهد متفکری بود که در کلیه رشته‌های علوم انسانی صاحب‌نظر بود و علاوه بر این از مکتب‌های فلسفی، فکری و سیاسی روز نیز آگاهی داشت

را برای زندگی انسان دین‌دار در دنیای معاصر بر مبنای برداشتی اصیل از دین طرح کنند و از سوی دیگر، در قبال موضوعات مطرح‌شده از جانب این مکاتب، دریافتی همراه با فهم و نقادی دارد، بی‌آنکه به مواجهه‌ای مجادله‌آمیز با آنها بپردازد. علاوه بر این اندیشه دینی مطرح‌شده در سطح کشور، می‌بایست نقشی تصحیح‌کننده هم برای آن دسته از طرز تلقی‌های قشری و سنتی از اسلام داشته باشند که آن را با تمامی مظاهر سنت دینی برابر می‌شمردند و یا به نوعی عرفان‌گرایی واقعیت‌گریز روی آورده بودند و هم برای جریان‌هایی از تفکر دینی که به اندیشه اصالت علم و به مکاتب گوناگون فکری به مقتضای شرایط آن روزگار به ویژه مارکسیسم گرایش داشتند، عملکردی روشن گرایانه داشته باشند.<sup>۱</sup>

در عین حال، ایشان در برابر افراد داخلی نظام که مترصد تقلیل دادن دین و کمرنگ کردن دیانت و به نوعی ترویج سکولاریسم بودند، به شدت ایستادگی می‌کردند و به شبهات موجود پاسخ می‌گفتند. به عنوان مثال، ایشان در برابر مطلبی که حسن نزیه در روزنامه کیهان مبنی بر ناکارآمدی دین و اسلام برای موضوعات سیاسی، اقتصادی و قضایی تقریر کرده بود، به پاسخگویی پرداختند و به طور کاملاً شفاف پاسخ شبهات را دادند.<sup>۲</sup> برخی دیگر نیز با استعانت از مکاتب غربی نظیر لیبرالیسم و برداشت‌های ناروا از آن، سعی در ارایه قرائت‌های نوینی از آزادی و زندگی مدنی داشتند که حدود و ثغور این برداشت‌ها، نافی حقوق دیگران بود و با آرای اسلام متمایز می‌نمود. به همین دلیل، ایشان به موضوع آزادی اشاره‌های زیادی داشتند<sup>۳</sup> و در برنامه‌های تلویزیونی، کتب درسی، سخنرانی‌ها و تقریرات خویش سعی نمودند تا مباحث آزادی، بی‌بندوباری بی‌قید و شرط، زورمداری و هرج و مرج<sup>۴</sup> ناشی از آزادی‌های افراطی را تشریح نمایند. در نهایت این که ایشان معتقدند عصر حاضر، «عصر تزلزل سریع ارزش‌ها» می‌باشد که برخی مکاتب از آنها حمایت می‌کنند و با تأکید بر نسبی‌گرایی، سعی در بی‌ثباتی

۱. محمدرضا بهشتی، شهید بهشتی و آموزش و پرورش، تهران، «شناخت اسلام در بستر اندیشه جامعه فکری ایران»، مدرسه، ۱۳۸۸، ص ۱۸۰-۱۷۹.

۲. محمد عابدی، دفاع فرهنگی در سیره ابرار، قم، معروف، ۱۳۷۹، ص ۱۳۶-۱۳۵.

۳. رک: سید محمد حسینی بهشتی و دیگران، آزادی، هرج و مرج و زورمداری، همان.

۴. در این خصوص رک: شریف لک‌زایی، «آزادی، هرج و مرج، زورمداری (مناظره‌ای با حضور شهید دکتر بهشتی درباره آزادی)»، حکومت اسلامی، ش ۳۴، زمستان ۱۳۸۳، ص ۱۷۹-۱۶۵.

ارزش‌های انسانی، اخلاقی و اجتماعی دارند<sup>۱</sup> و به همین منظور، مقابله با مکاتبی که زمینه‌ساز گمراهی جامعه انسانی می‌شوند، ضروری و حائز اهمیت است.

بعد از بررسی شرایط محیطی فوق‌مشخص گردید که شهید بهشتی مترصد بهره‌گیری از آموزه‌های اسلامی برای برون‌رفت جامعه انسانی و بشریت از مشکلات پیش‌رو در عرصه فکر، زندگی شخصی و اجتماعی، معنویت و حکومت‌ها می‌باشد و در این راستا، با بهره‌گیری از نبوغ و روش اجتهادی، به استخراج راه‌کارهایی عملی برای چالش‌ها و تهدیدهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، تربیتی، پزشکی، هنری و غیره پرداخت تا از این طریق بتواند به پایداری حکومت اسلامی و جمهوری اسلامی کمک نماید.

## ۲. آثار سیاسی شهید بهشتی

عمر به نسبت کوتاه شهید بهشتی و مشغله فراوان ناشی از برنامه‌ریزی و سازماندهی حرکت‌های اجتماعی و مشارکت فعال در به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی و پی‌ریزی ارکان نظام جمهوری اسلامی ایران، مانع از آن شد که ایشان فرصت و فراغت لازم را در جهت تنظیم یادداشت‌های فراوانی که حاصل سال‌ها پژوهش و مطالعه جدی در معارف دینی بود، بیابند و به همین دلیل، بیشتر آثار آن اندیشمند ژرف‌نگر به صورت گفتار و یادداشت‌های ابتدایی باقی مانده است.<sup>۲</sup> با وجود این موضوع، آراء، اندیشه‌ها و تقریرات شهید بهشتی از جامعیت کم‌نظیری برخوردار بود. او مجتهد متفکری بود که در کلیه رشته‌های علوم انسانی صاحب‌نظر بود و علاوه بر این از مکتب‌های فلسفی و فکری و سیاسی روز نیز آگاهی داشت. او دارای قلمی رسا و بیانی شیوا بود. نوشته‌ها، سخنرانی‌ها و مصاحبه‌هایی که از شهید بهشتی باقی مانده‌اند نشانگر عمق اندیشه و دقت فکر و ظرافت بیان و رسایی قلم او می‌باشند. ایشان معتقد بودند به میان مردم رفتن و تربیت و پرورش عملی مردم را دنبال کردن اولین وظیفه هر انسان عالم متعهد است. از سوی دیگر، شهید بهشتی سرتاسر عمر خود را به تبلیغ اسلام و مبارزه در راه تحقق آرمان‌های اسلامی گذراند و به همین دلایل، فرصت کافی برای نوشتن پیدا نکرد. آثار باقی‌مانده از شهید بهشتی که بیشتر آنها را سخنرانی‌ها و درس‌های ایشان تشکیل می‌دهند،

۱. سید محمد حسینی بهشتی، *بایدها و نبایدها: امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه قرآن*، تهران، بقعه، ۱۳۸۸، ص ۹۲-۹۱.

۲. سید محمد حسینی بهشتی، *خدای دیدگاه قرآن*، تهران، بقعه، ۱۳۹۰، ص ۱۱.



مجموعه کم‌نظیری از معارف اسلامی است.<sup>۱</sup>

شهید بهشتی فردی باهوش و با استعداد بود و علاوه بر دروس رایج در حوزه‌ها که از محضر استادانی چون مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی و امام خمینی رحمه‌الله علیه آموخته بود با معارف دیگری جز آنچه در حوزه تدریس می‌شد نیز آشنایی داشت. در سال‌های آخر دهه بیست توفیق حضور در مجلس درس فلسفه علامه طباطبایی را یافته بود و یکی از معدود روحانیون جوانی بود که علامه مقالات چهارده گانه کتاب/صول فلسفه و روش رئالیسم را نخست برای قرائت و تدریس در جمع آنان تحریر کرده بود. در سال‌های اقامت در آلمان با فلسفه‌های جدید اروپایی بیشتر آشنا شده بود. در سال‌های قبل از پیروزی انقلاب، در جلسات هفتگی که در منزل خود داشت، در جمعی از جوانان دانشگاهی درس‌هایی در زمینه فلسفه هگل و اقتصاد تدریس می‌کرد و در این جلسات مستقیماً به متون اصلی هگل و نیز به کتاب *کاپیتال* مارکس مراجعه و از آنها استفاده می‌کرد.<sup>۲</sup> ایشان در خصوص تقریرات و آثار خویش بیان می‌کند:

آثاری که از من منتشر شده به صورت مقالات در سالنامه مکتب تشیع بوده و همچنین در شماره‌های اول مکتب/سلام. نشریه سه ماه مکتب تشیع از نشریات پستی بود و روال کار این بود که از یک مجموعه از ویلیام جیمز مقالات را ترجمه می‌کردم. بقیه تألیفات است. بعد در آلمان چند جزوه بحث داشتیم با عنوان «نقش ایمان در زندگی انسان»، «کدام مسلک؟»، «یک دوره «نامه من» بدون نام من منتشر شدند. بعد کتاب *خدا/ز دیدگاه قرآن* که یک کتاب تحقیقی پیرامون قرآن است و رساله دکتری من است که چندین بار چاپ شده. یک سخنرانی هم درباره نماز داشتیم که بعداً تحت عنوان *نماز چیست؟* چندین بار چاپ شده، اخیراً درباره مالکیت و درباره شناخت بحث‌هایی داشتیم که حزب تکثیر کرده است. بحثی پیرامون کیفیت «آشنایی با قرآن» و مطالعه قرآن داشتیم که روی نواری بوده و بعداً در روزنامه جمهوری/اسلامی چاپ شده و اخیراً با تصحیح آماده چاپ است. اینها نوشته‌های چاپ شده است و نوشته‌های

۱. مسیح مهاجری، «شهید بهشتی، رکن بزرگ انقلاب»، همان، ص ۴۰؛ همچنین رک: حزب جمهوری/اسلامی، فهرست موضوعی بخشی از آثار شهید مظلوم بهشتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۱.  
 ۲. غلامعلی حداد عادل، بررسی مبانی فکری آیت‌الله شهید دکتر بهشتی، «با یاد بهشتی»، تهران، بقعه، ۱۳۷۷، ص ۳۹-۳۸.

منتشر نشده و تکمیل نشده متعددی هم وجود دارد.<sup>۱</sup>

در خصوص آثار متعددی که ایشان به تقریر درآورده‌اند یا در سخنرانی‌های علمی به طرح مباحث نوین و مورد نیاز جامعه پرداخته‌اند، می‌توان بصیرت را مشاهده نمود. به این معنا که «نوعی روشن‌بینی نسبت به مسائل که روشن، قاطع و صریح قضاوت نمایند.»<sup>۲</sup> ایشان در تمامی مراحل حیات علمی و سیاسی خویش، با درایت و هوشمندی نسبت به مسائل موضع‌گیری می‌کردند و حتی در صورتی هم که نسبت به موضوعی اطلاع دقیق نداشتند نظریات غیر قطعی نمی‌دادند. این اعتدال و روشن‌بینی در روش‌شناسی تفسیری شهید بهشتی هم نمود بارزی دارد.<sup>۳</sup> آثار شهید بهشتی به شرح زیر هستند:

- محیط پیدایش اسلام
  - مبانی نظری قانون اساسی
  - بایدها و نبایدها
  - آزادی، هرج و مرج و زورمداری
  - ولایت، رهبری و روحانیت
  - حق و باطل از دیدگاه قرآن
  - سه گونه اسلام
  - شناخت اسلام
  - حکومت در اسلام
  - حزب جمهوری اسلامی ایران (مواضع تفصیلی)
  - حزب جمهوری اسلامی ایران (گفتارها، گفت‌وگوها و نوشتارها)
  - ویژگی‌های انقلاب اسلامی ایران
  - بررسی و تحلیلی از جهاد، عدالت، لیبرالیسم، امامت
  - مواضع ما و...
- بیشتر آثار فوق مجموعه سخنرانی‌های شهید بهشتی می‌باشند که بر اساس ارتباط موضوعی یا سلسله موضوعات مرتبط در یک مجموعه جمع‌آوری شده‌اند. در این میان،

۱. سید محمد حسینی بهشتی، زندگی‌نامه و خدمات فرهنگی مرحوم شهید آیت‌الله دکتر سید محمد حسینی بهشتی، همان، ص ۲۵.

۲. محمدجواد باهنر، گفتارهای تربیتی، تهران، شاهد، ۱۳۸۷، ص ۷۰.

۳. رک: سید عبدالله فاطمی‌نیا، بررسی مبانی فکری آیت‌الله شهید دکتر بهشتی، «اعتدال و روشن‌بینی تفسیری آیت‌الله دکتر بهشتی»، تهران، بقعه، ۱۳۷۷.



کتاب حکومت در اسلام، شناخت اسلام، حزب جمهوری اسلامی ایران، ولایت، رهبری و روحانیت و مبانی نظری قانون اساسی از بیشترین اهمیت در بررسی آرا و اندیشه‌های سیاسی شهید بهشتی برخوردار هستند و می‌توان از کتاب شناخت اسلام به عنوان مانیفست اندیشه‌های بهشتی یاد کرد. زیرا عصاره‌ای از اندیشه‌های ایشان در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، اعتقادی، تربیتی، فرهنگی و غیره در این کتاب آمده است و می‌توان با مذاقه در آن، رؤس کلی اندیشه سیاسی و حقوقی ایشان را دریافت. اهمیت این اثر به حدی است که برخی سخن از تأثیر گذاری این کتاب در تحقق انقلاب اسلامی به میان می‌آورند. به عنوان نمونه، یکی از پژوهشگران بیان می‌دارد:

بی تردید کتاب شناخت اسلام نقش بسزایی در تحقق انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ داشته است... این کتاب نقش بسزایی در مشتاق ساختن جوانان به آئین اسلام و برقراری حکومت اسلامی و تحقق آن در دهه پنجاه داشته است.<sup>۱</sup>

در عین حال، نوع نظام سیاسی و اندیشه‌های مرتبط با ارتباط امت و امام، مدیریت جامعه، رهبری و ولایت، عدالت، جامعه عادلانه و نظام اسلامی و مباحث کلیدی سیاست در دو اثر شناخت اسلام و مبانی نظری قانون اساسی قابل رؤیت می‌باشد. البته مباحث ولایت و رهبری به طور اخص در کتاب ولایت، رهبری و روحانیت به عنوان یکی از مهم‌ترین محورهای اندیشه ایشان نیز بررسی و تبیین شده است.

### ۳. مبانی فکری و نظری شهید بهشتی

آنچه در بازگویی یک اندیشه حایز اهمیت است، توجه به وجوه گوناگونی است که هم در خود اندیشه قابل توجه است و هم در چگونگی شکل گرفتن آن. البته رابطه بین تفکر و عوامل دخیل در شکل‌گیری آن رابطه بسیار پیچیده‌ای است و اکنون مکاتب معرفت‌شناسی متعددی به بحث و جدال در این زمینه مشغول‌اند؛ تا آنجا که شاید بتوان گفت اندیشه در باب این عوامل اکنون خود به اندیشه‌ورزی مبدل شده است. علت این امر شاید در این باشد که تمیز بین تفکر انسانی و آنچه بر اندیشه‌ورزی انسانی تأثیر می‌گذارد مستلزم تأمل در باب خود ماهیت تفکر است. ارایه پاسخ به پرسش‌هایی چون تأثیر شخصیت مؤلف، تأثیر ساختار زبانی، ارتباط بین سنت یا سنت‌های فکری با

۱. منصور پهلوان، شهید بهشتی و آموزش و پرورش، «بررسی تحلیلی کتاب شناخت اسلام»، تهران، مدرسه، ۱۳۸۸، ص ۱۴۹ و ۱۵۷.

به اعتقاد شهید بهشتی، قرآن خدا را از فقر و نیاز پیراسته می‌داند و بر این بی‌نیازی به صورت یک اصل مهم در خداشناسی تکیه می‌کند؛ اصلی که می‌توان به کمک آن برخی از انحراف‌های فکری و عقیدتی را که درباره خدا پیدا شده است، باز شناخت

تفکرات جاری و نقش شرایط اقتصادی و اجتماعی در شکل‌گیری آرا و افکار می‌تواند هم در فهم یک اندیشه خاص مؤثر واقع شود و هم اینکه در شیوه اندیشیدن به معنای عام مثمر ثمر باشد. مجادلات جاری میان ساختارگرایی، هرمنوتیک، ساخت‌شکنی، تبارشناسی و دیگر گونه‌های اندیشه‌شناسی به خوبی بیانگر اهمیت این مطلب است.<sup>۱</sup> اندیشه سیاسی، یکی از انواع تفکر است که در باب آن مباحث گوناگونی ارایه شده است. آنچه به رغم تفاوت میان انواع شرح و تبیین‌های

گوناگون درباره اندیشه سیاسی می‌توان درباره آن گفت این است که هر اندیشه سیاسی مشتمل بر پنج دلالت است که عبارت‌اند از دلالت وضعی، دلالت معرفتی، دلالت هنجاری، دلالت عملی - کاربردی و دلالت فکری. دلالت اول این است که هر اندیشه سیاسی به معضل عمده جامعه می‌پردازد. این را می‌توان دلالت وضعی نامید. هر اندیشه سیاسی وضع موجود و شرایط و موقعیت و وضعیت معینی که در آن اندیشه می‌شود را بیان می‌کند. دلالت وضعی همانا تبیین وضع موجود و تحلیل شرایطی است که در آن اندیشه‌ورزی صورت می‌گیرد و هر اندیشه سیاسی معین در پاسخ به این ضرورت‌ها یا بحران‌ها اندیشیده شده است. شاخص‌ترین بحران‌هایی که در طول تاریخ اندیشه سیاسی مشخص شده‌اند، عبارت‌اند از: بحران ثبات، بحران مشروعیت، بحران امنیت و بحران اقتدار. تشخیص مسائل و بحران‌ها در هر شرایط تاریخی و اجتماعی معین از طریق مقومات نظری صورت می‌گیرد. دلالت معرفتی، شامل جهان‌بینی، انسان‌شناسی و اخلاق است. دلالت معرفتی همانا منابع و مبانی فکری در هر اندیشه سیاسی است. این مقومات نظری می‌توانند متکی بر تعالیم و حیانی، تأملات فلسفی، تفکرات اجتماعی یا دیگر صور اندیشه باشند. بنابراین انواع اندیشه سیاسی متکی بر مقومات نظری معینی هستند. فلسفه سیاسی، کلام سیاسی، ادبیات سیاسی، شریعت‌نامه سیاسی، ایدئولوژی سیاسی هر یک از انواع مبانی معرفتی خاصی بهره می‌برند. شاخص‌ترین انواع مبانی معرفتی در تاریخ اندیشه سیاسی انسان‌شناسی آنهاست که شامل انسان‌چونان حیوان ناطق، گرگ انسان، موجودی عاقل و موجودی زبانی می‌شود. به عبارت

۱. عباس منوچهری، نگاهی دوباره: بازخوانی اندیشه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی شهید آیت‌الله دکتر بهشتی، «عقل و نقل و دلالت‌های معرفتی اندیشه سیاسی شهید بهشتی»، تهران، بقیه، ۱۳۹۲، ص ۲۷۱-۲۷۰.



شهید بهشتی از مباحث هدفداری نظام به این نتیجه می‌رسد که اگر هدف آفرینش این است که انسان به کمال و عمل نیکو و کار بایسته برسد، باید قوانین و مقررات و نظام‌های اجتماعی، همگی طوری تنظیم شوند که این میدان گسترده را برای این مسابقه آگاهانه و آزادانه انسان‌ها آماده نگه دارند؛ از این رو هر رفتار، هر کمبود، هر محدودیت نابجا، هر بی‌بندوباری نابجا، هر عامل اجتماعی و هر عامل مصنوعی که در قلمرو و میدان به وجود بیاید و بخواهد مانع تحقق این هدف شود باطل است، ظلم است

دیگر، مقومات نظری هم تبیین وضعیت و معضلات (دلالت وضعی) را و هم ترسیم راه‌حل‌ها و مطلوبیت‌ها (دلالت هنجاری) را تمهید می‌کنند. دلالت‌های هنجاری، بر وضعی که موجود نیست دلالت دارد. دلالت هنجاری در هر اندیشه سیاسی گونه معینی از وضع هنجاری را ترسیم و تدوین می‌کند. هر اندیشه سیاسی برای برطرف کردن معضلات موجود، الگوهای سیاسی، اصول و معیارها و هنجارهای معینی را تدوین و توصیه می‌کند. از شاخص‌ترین دلالت‌های هنجاری در تاریخ اندیشه می‌توان به آرمان شهر افلاطون، مدینه فاضله فارابی، اتوپیای توماس مور، دولت مدنی جان لاک اشاره کرد؛ و از مهم‌ترین

هنجارهای سیاسی می‌توان عدالت، قانون، آزادی، حق، وفاق و همبستگی را نام برد. این الگوها و هنجارها به صورت عملی مورد استفاده قرار گرفته‌اند که همان دلالت کاربردی اندیشه سیاسی می‌شود. دلالت کاربردی برای ارایه راه‌حل‌های عملی در وضعیت معین اجتماعی و سیاسی پردازش می‌شود. بدین معنا، اندیشه سیاسی مبنای خط‌مشی‌ها و راهکارها در سیاست‌گذاری اجتماعی است. کاربرد اندیشه سیاسی به صورت قوانین اساسی، قوانین موضوعه و استراتژی‌های کلان سیاسی اقتصادی همچون نظام نمایندگی، دولت تک‌حزبی، نظام جمهوری‌یتی، دولت رفاه، حقوق اساسی، حقوق شهروندی و اقتصاد برنامه‌ریزی در تاریخ تجربه شده است.<sup>۱</sup>

دلالت‌های فوق‌را می‌توان در اندیشه شهید بهشتی مورد بررسی قرار داد و مصادیق زیادی برای آنها وجود دارد اما آنچه در این بخش مورد توجه است، دلالت‌های معرفتی است؛ زیرا برای شناخت دقیق‌تر اندیشه‌های سیاسی شهید بهشتی، پیش از هر چیز باید از مبانی فکری او آگاه شد. بنیادهای نظری هر فیلسوف سیاسی، به مسائل اساسی مشترک چون طبع انسان، نظام هستی و ضرورت دولت و غایات جامعه سیاسی مربوط می‌شود. باید بدانیم در نگاه شهید بهشتی، به عنوان یک اندیشمند سیاسی و صاحب‌نظر

۱. عباس منوچهری، عقل و نقل و دلالت‌های معرفتی اندیشه سیاسی شهید بهشتی، همان، ص ۲۷۱-۲۷۰.





در امور فلسفی و سیاسی، انسان، دولت، جامعه و هستی دارای چه ویژگی‌ها و مشخصات و مؤلفه‌های بنیادی است. نگاه شهید بهشتی به این امور به ما کمک می‌کند تا آرا و نظریات وی را در بخش سیاست و جامعه بهتر درک کنیم. اصولاً فیلسوفان سیاسی و اندیشمندان، درک خاصی نسبت به این‌گونه مسائل دارند.<sup>۱</sup> لاجرم در این بخش، مبانی فکری ایشان در حوزه انسان‌شناسی و هستی‌شناسی را مورد بررسی قرار می‌دهیم تا بتوان تأثیر این مبانی بر اندیشه سیاسی ایشان را ملاحظه نمود و همان‌گونه که خود ایشان بیان می‌کنند:

خدایی را که اسلام معرفی می‌کند، پیغمبری را که اسلام معرفی می‌کند، رستاخیز و معاد و سرا و جهان دیگری را که اسلام معرفی می‌کند، انسانی را که اسلام معرفی می‌کند، شیوه زندگی انسانی را که اسلام معرفی می‌کند، مسئولیتی را که اسلام بر عهده ما گذاشته است، روابط اجتماعی و روابط میان قشرهای مختلف جامعه، به خصوص روابط میان مردان و زمامداران و روابط متقابل میان آنها، روابط اقتصادی، علمی، اخلاقی، عاطفی و همه اینها را آن‌طور که اسلام خواسته و ساخته و پرداخته است به همان صورت بشناسیم.<sup>۲</sup>

### الف. هستی و خداشناسی

هستی‌شناسی شری است عام از این که چه چیزی وجود دارد و چگونه عمل می‌کند. به عبارت دیگر، هستی‌شناسی یعنی بنیادی‌ترین اندیشه‌ها درباره سرشت غایی یا جوهر چیزها؛ یعنی ساختارهای جهان واقعی (اشیاء و واحدها). این اصطلاح با این پرسش کلیدی پیوند دارد که وجودها یا هستی‌ها چه هستند.<sup>۳</sup> در عین حال، میان هستی و خالق هستی ارتباط نزدیکی وجود دارد و به همین دلیل می‌توان این دو مسئله را در یک راستا مورد بررسی قرار داد؛ زیرا در اندیشه‌های متفکران اسلام در هنگام طرح مباحث هستی‌شناسی، مسئله فاعل و علت‌العلل نیز مطرح می‌شود. همان‌گونه که شهید بهشتی در کتاب *شناخت اسلام* بیان می‌کند: اسلام عالم طبیعت را با همه بزرگی، با همه ریزه کاری‌ها و با همه رابطه‌های متقابل که میان پدیده‌های گوناگونش وجود دارد، واقعیتی می‌داند به هم پیوسته اما نیازمند و وابسته، وابسته به واقعیتی بی‌نیاز، مستقل و

۱. ابراهیم طالبی دارابی، «انسان و جهان در نظام فکری شهید بهشتی»، نگاه حوزه، ش ۱۸۵، ۱۳۸۵/۴/۳، ص ۴.

۲. سید محمد حسینی بهشتی، *اتحاد به انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا*، همان، ص ۱۶۹-۱۶۸.

۳. محمد تقی قزلسفلی، *فلسفه فلسفه سیاسی*، تهران، رشد آموزش، ۱۳۹۰، ص ۴۰.



غیر وابسته، که خدایش می‌نامیم. این واقعیت غیر وابسته واقعیتی است نامحسوس که همچون همه واقعیت‌های نامحسوس دیگر باید از راه نشانه‌های محسوس به هستی به او پی برد و در حدود گویایی و روشنگری همین نشانه‌هاست که می‌توانیم بر آگاهی‌های ارزنده درباره او دست یابیم. قرآن که اساسی‌ترین مأخذ برای شناخت جهان بینی اسلام است، در زمینه خدانشناسی همواره از آیات یعنی نشانه‌های خدا یاد می‌کند و از انسان‌ها می‌خواهد که به این نشانه‌ها بیندیشند و از این راه سرچشمه هستی را بشناسند. این نشانه‌یابی برای عده‌ای از انسان‌ها کاری است سراسرست و فطری و در آنها یقینی قاطع، رسا و روشن نسبت به خدا به وجود می‌آورد، چنان که گویی خدا را می‌بینند. البته نه با چشم، بلکه با بینش باطنی و به اصطلاح معروف با شهود. ولی برای عده‌ای دیگر مطلب به این آسانی و سراسرستی نیست، زیرا آنها به چون و چرا و تجزیه و تحلیل خو گرفته‌اند. در این تجزیه و تحلیل عده‌ای با شکیبایی و بردباری پیش می‌روند و به نتایج روشنی می‌رسند ولی عده‌ای دیگر در پیچ و خم استدلال‌ها خسته و کوفته و می‌مانند، بی آن که به نتیجه روشنی رسند.<sup>۱</sup> ایشان معتقدند که هستی و جهان واقعیتی عینی و مستقل از ذهن انسان است. در عین حال، انسان و ذهن انسان جزئی از جهان خلقت است که می‌تواند به آگاهی دست یابد.<sup>۲</sup>

در دستگاه فکری شهید بهشتی، خدانشناسی اگر در حد یک شناخت بدیهی نباشد، لااقل امری فطری است<sup>۳</sup> و معنی دیگری که برای فطری بودن خدانشناسی می‌توان گفت این است که شناخت حق، به استدلال‌های پیچیده و تو در تو نیاز ندارد، به همین جهت قرآن هم هر جا استدلالی کرده است، از این حد فراتر نمی‌رود که انسان را بر توجه به ساده‌ترین و روشن‌ترین دریافته‌های فطری‌اش برانگیزد و از او بخواهد که به نتایج ضروری و غیر قابل انکار این دریافته‌ها، تن در دهد. در بسیاری از موارد حتی به این مقدار هم پای استدلال به میان کشیده نمی‌شود و قرآن به همین اندازه اکتفا می‌کند که سست‌پایگی و موهوم بودن یک عقیده یا گرایش ضد الهی را به انسان گوشزد کند و از این راه او را بر جست‌وجوی بیشتر و استوارتر درباره خدا برانگیزد.<sup>۴</sup> از نظر اهل سیر و سلوک و عرفان، بشر اگر به این کمال دوستی فطری خویش بیشتر برسد، و کمال سیر و

۱. سید محمد حسینی بهشتی و دیگران، *شناخت/اسلام*، همان، ۱۳۹۰، ص ۷۱.

۲. سید محمد حسینی بهشتی، *شرح مواضع ما؛ راه‌های کسب آگاهی*، اصفهان، حزب جمهوری اسلامی ایران، بی تا، ص ۱.

۳. سید محمد حسینی بهشتی، *خدا/از دیدگاه قرآن*، همان، ص ۵۱.

۴. همان، ص ۶۱.

سلوک، ریاضت و تمرین و عبادت، به آن نیرو بخشد، به تدریج به مرحله‌ای می‌رسد که خدا را می‌یابد، مرحله شهود و یافتن، که خود به خود با یقین همراه است؛ یافتن و یقینی که مجالی برای شک باقی نمی‌گذارد. به نظر اینان تنها راه مطمئن برای خداشناسی، همین خداجویی است که سرانجام به خدایابی می‌رسد.<sup>۱</sup>

به اعتقاد بهشتی، قرآن خدا را از فقر و نیاز پیراسته می‌داند و بر این بی‌نیازی به صورت یک اصل مهم در خداشناسی تکیه می‌کند؛ اصلی که می‌توان به کمک آن برخی از انحراف‌های فکری و عقیدتی را که درباره خدا پیدا شده است، باز شناخت.<sup>۲</sup> باید گفت هر کس وجود خدا را باور داشته باشد، خود به خود او را لااقل با صفتی که می‌شناسد و متناسب با راهی که از آن به وجود خدا پی برده است باور خواهد داشت و خداشناسی او دست کم با شناخت صفاتی از قبیل مبدأ خالق، رب و مدبر، واجب‌الوجود و... همراه خواهد بود.<sup>۳</sup> در کتاب خدا/از دیدگاه قرآن آمده است:

مسئله اساسی همان شناخت مبدأ نخستین هستی؛ یعنی خداست، که علت اولی است. علتی که سررشته بس طولانی علت و معلول‌ها، به آن می‌رسد و همه از آن به وجود آمده‌اند. این علت نخستین جوهری است نامحسوس که مبدأ هستی همه جواهر دیگر، اعم از جواهر حسی و غیر حسی است. ارسطو مکرر از پرارجی و بلندپایگی این بخش از معرفت، که کاوش درباره مبدأ نخستین را برعهده دارد، یاد می‌کند و در یکجا آن را شریف‌ترین و مقدس‌ترین علم می‌خواند.<sup>۴</sup>

یکی از واقعیت‌های عینی که قرآن ما را به شناخت آن و پایه و مبنا قرار دادن آن، برای همه اندیشه‌های بعدی دعوت می‌کند، این مسئله است که جهان هستی روندی هدف‌دار دارد. این عالم هستی عالمی بی‌هدف نیست و یکتاپرستی فقط یک عقیده و امر ساده معنوی نیست بلکه توحید و یکتاپرستی یک ریشه فکری جدید برای زندگی انسان است. بر اساس اندیشه شهید بهشتی، آفرینش هستی و فرمان‌روایی بر جهان هر دو از خداست؛ نه هیچ چیز به خودی خود پیدا شده و نه هیچ کاری بی‌فرمان او واقع می‌شود. در عین حال، مالکیت خدا بر سراسر هستی امری مطابق با منطق فطرت است.<sup>۵</sup> مذاقه در

۱. همان، ص ۵۹.

۲. همان، ص ۱۶۵.

۳. همان، ص ۱۵۷.

۴. همان، ص ۳۲-۳۱.

۵. سید محمد حسینی بهشتی، ارزش‌ها در نگاه شهید بهشتی، تهران، روزنامه جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۵،

ص ۱.



اندیشه‌های شهید بهشتی نشان می‌دهد که معرفت واقعی و حقیقی نسبت به پروردگار امری شایسته و لازم است؛ زیرا یکتاپرستی جامع، دیگر کمبودی برای زندگی بشر باقی نمی‌گذارد و کمبودهای انسان و جوامع بشری ناشی از عدم یکتاپرستی و انحراف در هستی و خداشناسی است.<sup>۱</sup> از این رو، ایشان خداشناسی را یک وظیفه می‌دانستند و این چنین تشریح می‌کنند:

مسئله اساسی در انتخاب من و شما به عنوان انسان موجود آگاه انتخاب‌گر این است که تاریکی‌ها و روشنی‌ها را درک کنیم و بشناسیم نورانیت خدا، و راه خدا را در میان ظلمات و تاریکی‌های رنگارنگ و گوناگون گم نکنیم.<sup>۲</sup>

خداوند را که ما مبدأ و غایت هستی می‌دانیم، در همه چیز مطلق است<sup>۳</sup> و شهید بهشتی در مقاله «توحید در قرآن» بیان می‌کند که:

نظام علت و معلول از نظر قرآن، نظامی است نیرومند، پرج و دارای اعتبار، و انسان با آن که به کمک نیروهای خداداد و دانش این نظام به کارهایی شگفت‌انگیز دست می‌زند، باز باید در همه تلاش‌هایش مواظب این نظام باشد و در همان حدود که روابط متقابل علت و معلول به او امکان عمل می‌دهد، عمل کند و گرنه کوشش‌هایش بی‌اثر می‌ماند ولی همین نظام نیرومند و پراعتبار نیز مقهور اراده خداست... همان خدای توانا و دانا که این اسباب را آفریده و به هر یک اثر و خاصیت یا اثرها و خاصیت‌ها داده، در هر لحظه می‌تواند اثر و خاصیت یک یا چند سبب را بگیرد و آنها را خنثی کند.<sup>۴</sup>

به خاطر همین عظمت می‌باشد که وی تأکید می‌نماید از نظر اسلام، ستایش مخصوص خداست که کمال بی‌نهایت است. غیر از خدا هیچ کس و هیچ چیز شایسته ستایش نیست. از هر کس و هر چیز در حدود ارزش واقعی‌اش می‌توان قدردانی و در حدود محبت و خدمتش می‌توان تشکر کرد، ولی قدردانی و تشکر هرگز نباید رنگ چاپلوسی، مداحی و ستایشگری به خود گیرد. مداحی و ستایش‌گری یک آفت بزرگ اخلاقی و

۱. سید محمد حسینی بهشتی، حج/از دیدگاه قرآن، تهران، بقعه، ۱۳۹۱، ص ۳۵-۳۴.

۲. سید محمد حسینی بهشتی، سخنرانی‌های شهید مظلوم بهشتی، «آزادی در اجتماع»، تهران، سیدجمال، بی‌تا، ص ۳۷.

۳. سید محمد حسینی بهشتی و دیگران، آزادی، هرج و مرج و زورمداری، همان، ص ۲۷.

۴. سید محمد حسینی بهشتی، دیدگاه توحیدی، «توحید در قرآن»، ایزدی و مسکوب (به کوشش)، تهران، فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۶، ص ۱۵۷.

شهید بهشتی: اسلام تعلیماتش را بر این پایه تنظیم کرده که بشر در زندگی باید هدف جدی داشته باشد و اصلاً انسان باید انسانی جدی تربیت شود. اگر انسان طوری تربیت شد که در او اراده نیرومند و هدف‌گیری عالی در زندگی نباشد، این انسان، ساخته و پرداخته اسلام نیست

یک آفت بزرگ اجتماعی است<sup>۱</sup> که یاد خدا بودن و ایمان باطنی می‌تواند از این گناه جلوگیری نماید و به همین دلیل، توجه به خدا یکی از مهم‌ترین ارزش‌های تربیت دینی می‌باشد.<sup>۲</sup> از نظر شهید بهشتی، جهان و هستی، عبث و بیهوده خلق نشده است. خداوند آسمان‌ها و زمین را به حق آفریده است: «ما خلقنا السموات و الارض و ما بینهما الا بالحق» و این حق به معنای این است که انسان‌ها ایدئالیست نباشند و نگویند این عالم «وهم

و خیال» است، بلکه معتقد باشند جهان هستی هدف و جهتی دارد. انسان‌ها، نه تنها باید در نفی پندارگرایی و پوچ‌انگاری بکوشند، بلکه این هدف هستی را متحقق نمایند که به نظام آفرینش بیندیشند و هدف‌های آن را شناسایی کنند و بر مبنای قوانین، مقررات و قراردادهای اجتماعی که خداوند آن را وضع کرد و بنا نهاد، عمل کنند. خداوند هم از انسان‌هایی یاد می‌کند که با ایمان خود به نظام آفرینش، می‌اندیشند و اعتقاد دارند که خدا این دستگاه را باطل و عبث نیافریده است. بدین ترتیب، از نظر آیت‌الله بهشتی، نظام هستی، هدف‌دار است؛ هر چند از نگاه ما، این مسئله امری بدیهی است؛ و وقتی فیلسوف و اندیشمند از آن به عنوان اصل و اساس اندیشه‌های خود دفاع می‌کند، می‌تواند به عنوان مبنای بحث اندیشه‌های سیاسی تلقی شود. حال که نظام، از نظر وی، هدف‌دار و عبث و پوچ آفریده نشده است، این سؤال مطرح می‌شود که هدف و جهت نظام هستی چیست؟ آیا این اهداف را خداوند مشخص کرده است؟ چرا و چگونه باید به آن توجه کنیم؟ ایشان با اشاره به آیه هفتم سوره مبارکه هود،<sup>۳</sup> به این نتیجه می‌رسد که خداوند این جهان متنوع و گوناگون را که در شش مرحله آفریده، برای انجام کار حسن و نیک و مسابقه آگاهانه و آزادانه انسان‌ها قرار داد؛ این آیه از نظر وی، به صراحت نشان می‌دهد که آسمان‌ها و زمین از ماده‌های همگون شروع و به پیدایش انسان بر عرصه این صحنه بسیار متنوع منتهی شده است؛ همه این مقطع آفرینش، برای این است که میدانی رنگارنگ و متنوع برای عمل و کار انسان به وجود بیاید و انسان در مسابقه به

۱. سید محمد حسینی بهشتی، نماز چیست؟، تهران، بقعه، ۱۳۹۰، ص ۲۲.

۲. سید محمد حسینی بهشتی، موسیقی و تفریح در اسلام، تهران، بقعه، ۱۳۹۰، ص ۱۷.

۳. «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَلَئِن قُلْتُمْ إِنَّكُمْ مَعُونُونَ مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ لَيَقُولُنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مَبِينٌ.»



شهید بهشتی: اسلام و ادیان می خواهند انسان عاشق تربیت کنند. نمی گویم انسان بی عقل، می گویم انسانی که هم عاقل باشد و هم عاشق. نمی خواهد عاقل بی عشق تربیت کند. آنچه می خواهد، عاشق عاقل است

خیرات و نیکی‌ها در این میدان بس گسترده و وسیع قرار گیرد و نهان انسان با انتخاب راه و شیوه عملی که دارد، آشکار گردد و معلوم شود در میان این موجودات تازنده، کدام برنده و کدام بازنده‌اند؛ یعنی این مقطع از هستی دارای آهنگی است، و آهنگش آماده بودن برای عمل انسان‌ها، برای کار انسان‌ها و برای تلاش انسان‌ها است؛ تلاشی که هدفش مشخص شدن این است که کسی نیکوکار تر است. پس، مطابق دیدگاه

شهید بهشتی، اینکه نظام آفرینش حق است، به یک معنا باز می‌گردد به اینکه نپنداریم جهان بی فرجام و انسان بی هدف خلق شده است. در حقیقت آنچه انسان را از پوچی و خیال بیرون می‌آورد، این است که انسان سرانجام و فرجامی دارد و آن فرجام با عمل او در این قلمرو وسیع و رنگارنگ تعیین می‌شود، بنابراین اگر قرار بود، انسان و عمل او و پاداش و کیفرش در کار نباشد، آفرینش او عبث و بیهوده بود: «فحسبتم انما خلقناکم عبثا و انکم الینا لاترجعون». در اندیشه بهشتی، حق دو معنای اصلی پیدا می‌کند: آن چه هست و آن چه باید باشد. در علوم عینی وقتی می‌گوییم حق، ناظر به معنای اول است؛ یعنی آنچه هست. وقتی در حقوق و ادیان و اخلاق از حق صحبت می‌کنیم، به معنای دوم است؛ یعنی آن چه باید باشد. و چون نظام هستی حق است، به این ترتیب میدان عمل برای تمیز حق و باطل برای انسان‌ها باید وسیع و باز باشد.<sup>۱</sup>

شهید بهشتی از مباحث هدفداری نظام به این نتیجه می‌رسد که اگر هدف آفرینش این است که انسان به کمال و عمل نیکو و کار بایسته برسد، باید قوانین و مقررات و نظام‌های اجتماعی، همگی طوری تنظیم شوند که این میدان گسترده را برای این مسابقه آگاهانه و آزادانه انسان‌ها آماده نگه دارند؛ از این رو هر رفتار، هر کمبود، هر محدودیت نابجا، هر بی‌بندوباری نابجا، هر عامل اجتماعی و هر عامل مصنوعی که در قلمرو و میدان به وجود بیاید و بخواهد مانع تحقق این هدف شود باطل است، ظلم است. این خلاف حق است و باید از میان برداشته شود. مؤلفه اصلی این نظر و رأی این است که انسان‌ها فقط باید در برابر حق تسلیم شوند و مسلمان، یعنی آدمی که حق پرست است و فقط زیر بار حق می‌رود و در برابر حق لجاج و عناد و استکبار ندارد؛ نه تنها انسان مسلمان حق پرست است، بلکه در نگاه شهید بهشتی، اوج انسانیت انسان در حق پرستی

۱. ابراهیم طالبی دارابی، «انسان و جهان در نظام فکری شهید بهشتی»، همان، ص ۴-۶.



است و انسان برتر، انسانی است که در برابر حق تسلیم تر است. انسان حق پذیر برای سعادت آمده است. تیره بختی و انحراف انسان در این است که در برابر حق مقاومت کند. از نظر شهید بهشتی، این جهان دارای هدف است، حق است و هدفی که این جهان را حق می کند، عمل انسان است و نه خود انسان. از دیدگاه ایشان، شناخت نظام حق از نظر وی دو منبع دارد: یکی منبع علم، آگاهی، اندیشه و عقل بشری، و دیگری منبع الهام و وحی الهی؛ یعنی آنچه می تواند به انسان حق را بشناساند، یکی اندیشه مستقیم است و دیگری وحی محکم متقن. به طور کلی در نگاه شهید بهشتی، نظام هستی خالقی دارد که حق مطلق است و این نظام دارای هدف و غایت است. انسان در این نظام، محور و احسن است و همه آسمان ها و زمین برای گزینش آزادانه و آگاهانه عمل برتر و حسنه انسان تمهید شده است و چون انسان باید مطابق آیین و مقررات الهی به مسابقه نیکو برسد، نباید هیچ محدودیت و رادعی که مظهر باطل و ظلم است، در مسیر او ایجاد شود؛ از این رو انسان این هستی، به دنبال حق می گردد و منبع شناخت دین حق، عقل و وحی است، پس انسان، مانند نظام هدفدار است و هدف او حق پرستی و تسلیم در برابر حق است. قوانین، مقررات، سنن و انبیا برای همین هدف بحق برای انسان آمده اند.<sup>۱</sup> ایشان در کتاب حق و باطل از دیدگاه قرآن ذکر می کنند که هدفدار بودن جهان هستی نیز یک حق می باشد:

یکی از واقعیت های عینی که قرآن ما را دعوت می کند به شناخت و پایه و مبنا قرار دادن آن برای همه اندیشه های بعدی این مطلب است که جهان هستی روندی هدفمند دارد. این جهان، این عالم هستی، عالمی بی هدف نیست. جهان هدف دارد. آسمان ها و زمین هدف دارند. حتی هدفی را که انسان برای خود انتخاب می کند در ارتباط با هدفدار بودن جهان است. جهان هستی حق است یعنی هدف دارد.<sup>۲</sup>

ایشان در عین حال به این موضوع اشاره می نمایند که همه انسان هایی که در درونشان میلی، گرایشی و عشقی به حق، به صدق، به عدل، به کمال، به شجاعت، به ایثار، به فداکاری، به عطف و رحمت و دلسوزی به دیگران و انصاف هست و همه آنهایی که در دلشان عشق و علاقه ای به این گونه ارزش ها می یابند، بدانند که اینها راهی به سوی خدا یافته اند و راهی به سوی خدا دارند.<sup>۳</sup>

در یک جمع بندی باید اذعان نمود که نحوه نگرش ایشان نسبت به هستی و خالق

۱. همان.

۲. سید محمد حسینی بهشتی، حق و باطل از دیدگاه قرآن، تهران، بقعه، ۱۳۹۰، ص ۳۲.

۳. سید محمد حسینی بهشتی، شناخت عرفانی، تهران، بقعه، ۱۳۹۰، ص ۱۸.

سبب شده تا اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی ایشان معطوف به این موضوع باشد و مؤلفه‌های کلیدی سیاست نظیر قدرت، امنیت و... به صورت کامل از آن خداوند باشند و انسان‌ها به اندازه نزدیک شدن به خداوند می‌توانند به مقداری از آن دست یابند. وجود جهان دیگر باعث گردیده که انسان سیاسی نتواند برای دستیابی به اهداف خویش از هر وسیله‌ای استفاده نماید بلکه شروطی را پیش روی خود می‌بیند که در صورت بی‌توجهی به آنها، عذابی اخروی در انتظار وی خواهد بود و به همین دلیل میان سیاست اسلامی با سایر سیاست‌های مادی‌گرای غربی و لیبرالیستی تفاوت وجود دارد. هستی‌شناسی سیاسی بهشتی را می‌توان این‌گونه تشریح کرد که امور سیاسی در این جهان، صرفاً نباید مترصد تحصیل قدرت، مناصب سیاسی و منافع مادی صرف باشد بلکه باید رضایت الهی را در نظر بگیرند و ابزاری برای آبادانی حیات معنوی و اخروی باشند و مسئولین و حاکمان در جوامع اسلامی باید از ابزار سیاست در مسیر خدمتگزاری به مردم بهره گیرند و سعادت اخروی امت اسلامی برای آنها مهم باشد. با توجه به همین مسائل است که می‌توان نوع دوستی، مهربانی، خیرخواهی و جذابیت در مؤلفه‌های سیاسی جامعه را در اندیشه بهشتی مشاهده کرد. با این اوصاف، هر مقداری که اهداف ترسیم‌شده برای مؤلفه‌های سیاسی به رضایت الهی توجه داشته باشد، پسندیده‌تر می‌باشد و به میزانی که از صراط مستقیم فاصله بگیرد در جریان باطل قرار می‌گیرند و تقسیم‌بندی حق و باطل در اندیشه سیاسی که به وفور یافت می‌شود، ناشی از رویکرد هستی‌شناسی وی می‌باشد. در تعبیری دیگر، مهم‌ترین تأثیر هستی‌شناسی بر اندیشه سیاسی بهشتی را می‌توان، «تلاش برای ساختن و آبادانی زندگی آن جهانی» از طریق ابزار سیاست دانست؛ یعنی قدرت حاکم و مسئولیت‌های حکومتی باید پلی برای رسیدن به مقاصد متعالی و الهی باشند.

### ب. انسان‌شناسی

هر نظریه سیاسی-اجتماعی و هر تصویری درباره جامعه، حکومت و عدالت، در تحلیل نهایی بر نوعی برداشت از «سرشت بشر» تکیه دارد. این برداشت چه آشکارا بیان شده باشد و چه به شکل تلویحی، سنگ بنیادینی است که بقیه اجزای نظریه گرداگرد آن بنا می‌شود و چونان معیاری است که هر اصل و رویه سیاسی و اجتماعی دیگری با آن سنجیده می‌شود.<sup>۱</sup>

۱. احمد شفیعی و دیگران، «صورت‌پردازی مفهوم انسان و چگونگی تأثیر آن بر اندیشه سیاسی»، *انسان‌پژوهی* دوره هشتم، ش ۲۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، ص ۱۲۱-۱۱۹.





نوع نگرش شهید بهشتی مبتنی بر انسان‌شناسی دینی می‌باشد<sup>۱</sup> و می‌توان بیان داشت که در انسان‌شناسی دینی نیز ابعاد، ویژگی‌ها، حقایق و ارزش‌های گوناگون انسانی از طریق مراجعه به متون مقدس دینی (کتاب و سنت) به دست می‌آید. به بیان دیگر در انسان‌شناسی دینی به جای بهره‌گیری از روش‌های تجربی، عقلی یا شهودی برای شناخت انسان از روش نقلی استفاده می‌شود. پاره‌ای از اشکالات در انسان‌شناسی‌های تجربی و فلسفی و عرفانی باعث شده که بهترین راه برای شناخت انسان، روش دینی و حیوانی باشد، چراکه حقیقت انسان، همانند کتابی است که نیازمند شرح است و شارح این کتاب هم کسی جز مصنف آن یعنی پروردگار آفریننده آن نمی‌تواند باشد و خداوند سبحان هم حقیقت انسان را به وسیله انبیاء و اولیاء و فرشتگان خود شرح کرده است و با بیان این که آدمی از کجا آمده، به کجا می‌رود و در چه راهی گام برمی‌دارد، او را با خویشتن، با آفریدگار، با گذشته، حال و آینده‌اش آشنا کرده است. البته باید توجه داشت که در ادبانی مانند مسیحیت و یهودیت تحریف صورت گرفته است و لذا بر اساس متون مقدس آن ادیان نمی‌توان به شناخت انسان دست یافت. ولی این مشکل در مورد اسلام که متن مقدس آن یعنی قرآن، مصون از هر گونه تحریف بوده و بیانات مفسران واقعی آن یعنی اهل بیت (ع) هم، موجود است، وجود ندارد. لذا می‌توان با مراجعه به این ثقل اکبر و تفسیر آن به وسیله ثقل اصغر (ائمّه (ع)) به انسان‌شناسی دینی واقعی دست یافت. چند ویژگی عمده را می‌توان برای این نوع انسان‌شناسی بیان کرد:

**الف. جامعیت:** انسان‌شناسی دینی ابعاد مختلف وجود انسان را مورد توجه قرار داده و از ابعاد جسمانی و زیستی، تاریخی و فرهنگی، دنیوی و اخروی، فعلی و آرمانی و مادی و معنوی سخن به میان آورده است؛ بر این اساس وقتی از بعدی خاص سخن می‌گویند، با توجه به مجموعه ابعاد وجودی انسان آن را مطرح می‌کند، چرا که گوینده سخن از معرفتی کامل و جامع نسبت به انسان برخوردار است. البته باید توجه داشت که دغدغه اصلی دین، هدایت انسان به سوی کمال و سعادت حقیقی اوست.

**ب. توجه به مبدأ و معاد:** برخلاف انسان‌شناسی‌های غیر دینی که در آنها، انسان یا به کلی از مبدأ و معاد بریده است یا در قالبی کلی از آنها سخن به میان می‌آید که نمی‌تواند برای چگونه زیستن انسان راه‌گشا باشد، در انسان‌شناسی دینی مبدأ و معاد به عنوان دو مسئله مهم برای انسان مورد توجه قرار می‌گیرد و پیرامون رابطه زندگی انسان با مبدأ و

۱. رک: سید علیرضا حسینی بهشتی، بررسی مبانی فکری آیت‌الله شهید دکتر بهشتی، «منزلت انسان در نظام سیاسی اسلام از دیدگاه شهید بهشتی»، تهران، بقعه، ۱۳۷۷، ص ۱۲۲-۸۰.

آنچه اسلام از هر مسلمان، از مرد و زن، از پیر و جوان می خواهد، پاکدامنی و خویشتن داری در برابر طغیان هوس ها، پیشگیری از عوامل مختلف فردی و اجتماعی که به طغیان هوس ها و افسار گسیختگی و خودکامگی انسان کمک می کند، دفاع از عدالت همه جانبه و ریشه دار اجتماعی و کوشش در راه تکامل فضیلت های انسانی است

معاد به تفصیل بحث می شود.  
**پ. اتقان:** انسان شناسی دینی به دلیل بهره مندی از معارف و حیانی خطاناپذیر، از استحکام و اطمینان بالایی برخوردار است.<sup>۱</sup>  
 انسان موجودی است که با همه هستی در ارتباط است. اگر توجه و تعلق او فقط حیات دنیا باشد، رشد و استعداد او زندانی شده و آن چه باید بشود، نمی شود؛ مثل این است که نهنگ را که آب و اسع مانند دریا برای رشد لازم دارد در استخر پرورش دهند و باعث تلف شدن او شوند. انسان برای آن چه باید بشود، نظر گاه وسیع و جهان بینی واقعی لازم دارد و حیات دنیا برای جولان فکری او کافی نیست. تحولی که زیربنای آن بر انسان شناسی صحیح استوار باشد هرگز به بن بست نمی رسد اما هر جا شالوده کار بر شرایط عاجل و زودگذر قرار گرفت، کار به بن بست کشیده و از آن چه فرار می کردند به صورت خشن تر گرفتار می آیند. مثلاً اگر از دیکتاتوری فرار کنند، راه به بن بست رسیدنش این است که روی شرایط عمل نمایند و در نتیجه محصول کار دوباره دیکتاتوری خواهد شد. یا اگر برای رفع اختلاف طبقاتی اقدامی بر طبق شرایط انجام دهند، معنی به بن بست رسیدنش این است که اسم طبقات عوض می شود اما حقیقت آن به صورت حاکم و محکوم به قوت خود بلکه به شدت بیشتر باقی می ماند. در تربیت اگر چپستی انسان مشخص شود، باعث می گردد که متناسب با آن دستورات لازم تربیتی در کانون خانواده رعایت گردد و خیلی از مسائل با شناخت درست انسان حل شود، اما اگر از ابتدا انسان که دست مایه کار است شناخته نگردد، کار تربیت کودک به بن بست می کشد و صفتی را که با آن مبارزه می کردند، جایش صفت مذموم دیگری می آید. تربیت دقیقاً همسایه دیوار به دیوار انسان شناسی است؛ به این معنی که اگر کسی در انسان شناسی ذوق پیدا کرد، بلافاصله در مسئله تربیت صاحب نظر می شود.<sup>۲</sup> همین موضوع به طور واضح در اندیشه های شهید بهشتی وجود دارد و هجم سخنرانی ها و تقریرات ایشان در خصوص تربیت و انسان تربیت شده توسط

۱. عبدالحسین خسروپناه و رضا میرزایی، «چپستی انسان شناسی»، *انسان پژوهی دینی*، دوره هفتم، ش ۲۴، زمستان ۱۳۸۹، ص ۴۳-۴۲.

۲. محی الدین حایری شیرازی، *انسان شناسی*، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۵؛ و همان، *انسان الهی*، تهران، لوح محفوظ، ۱۳۷۸.

ایشان گواهی بر این موضوع است. بر اساس چنین بینشی است که ایشان معتقدند که یکی از مهم‌ترین رسالت‌های انبیاء نیز تربیت است و از آنجایی که یکی از خصلت‌های انسانی، احتیاج داشتن به هدایت، راهنمایی و کمک شدن در مسیر صحیح زندگی است، زمامداران باید مردم را به صراط مستقیم هدایت نمایند. از این رو می‌فرمایند:

انسان در انتخاب راه زندگی و پیمودن راه زندگی، به هدایت، راهنمایی و رهبری احتیاج فراوان دارد. هدایت دو مرحله دارد: یکی مرحله راهنمایی و نشان دادن راه و دیگری مرحله رهبری؛ یعنی رهرو را با خود در صراط مستقیم بردن. معلم به انسان می‌آموزد؛ مربی انسان را در مسیر می‌برد؛ مرشد می‌آموزد؛ به انسان راه را نشان می‌دهد، اما پیر راه، انسان را با خود در راه می‌برد و به همراه خود به سوی آنچه هست می‌کشد. و در زندگی اجتماعی رهبر، راه‌های سعادت‌مند زیستن را ترسیم می‌کند و انگیزه‌های به راه افتادن در این راه را در انسان برمی‌انگیزد و اوج می‌دهد تا انسان‌ها بدانند، راه سعادت‌مند زیستن چیست و در این راه بیفتند و حرکت کنند.<sup>۱</sup>

به همین منظور، انسان تربیت‌شده اسلام در اندیشه بهشتی، دارای هدف و غایت است و انسانی که بر اساس مبانی فکری اسلام ساخته و پرداخته می‌شود دارای اراده نیرومند و هدف‌گیری عالی در زندگی است و همان‌گونه که ایشان بیان می‌دارند:

اسلام تعلیماتش را بر این پایه تنظیم کرده که بشر در زندگی باید هدف جدی داشته باشد و اصلاً انسان باید انسانی جدی تربیت شود. اگر انسان طوری تربیت شد که در او اراده نیرومند و هدف‌گیری عالی در زندگی نباشد، این انسان، ساخته و پرداخته اسلام نیست. زندگی مسلمان باید جدی باشد و هدف‌های جدی در آن داشته باشد؛ یعنی هر چیزی که انسان را از صورت جدی بودن و هدف‌های عالی جدی داشتن در زندگی خارج کند، بر خلاف جهت تربیتی اسلام است.<sup>۲</sup>

ایشان در کتاب *بایدها و نبایدها* ذکر می‌نمایند که:

اسلام و ادیان می‌خواهند انسان عاشق تربیت کنند. نمی‌گوییم انسان بی‌عقل، می‌گوییم انسانی که هم عاقل باشد و هم عاشق. نمی‌خواهد

۱. سید محمد حسینی بهشتی، «تجلی هدایت و عدالت در امامت»، نگاه حوزه، ش ۱۸۵، ۴/۳، ۱۳۸۵، ص ۱۶-۱۴.

۲. سید محمد حسینی بهشتی، موسیقی و تفریح در اسلام، تهران، روزنه، ۱۳۹۴، ص ۲۵.





عادل بی عشق تربیت کند. آنچه می خواهد، عاشق عاقل است. انسانی که حساب‌ها را برسد، چشم‌هایش را باز کند، گوش‌هایش را باز کند، زمینه‌ها را مطالعه کند، مقتضیات را نگاه کند، استعدادها و آمادگی‌ها را حساب کند، موانع را حساب کند، مشکلات را حساب کند، تمام اینها را حساب کند و راه مناسب را انتخاب کند. اما این را بداند که در زندگی، از تلاش باز ایستادن وجود ندارد. این، کار آدم عاشق است. در او شوری و گرمایی است که نمی‌گذارد آرام بگیرد. آرامش انسان‌های نومید، انسان‌هایی که ممکن است محاسبه آنها را به نومیدی بکشاند، در آنها نیست.<sup>۱</sup>

به همین دلیل است که در منظومه فکری شهید بهشتی، یک فرد و یک انسان قیمتی دارد و تمام مکانیسم‌ها و نظام‌های اجتماعی بسیج می‌شود تا «انسان‌های خودساخته انتخابگر انسانی اندیش» بسازند.<sup>۲</sup>

لاجرم، خودسازی یکی از مؤلفه‌های مهم برای انسان‌ها در شریعت اسلام محسوب می‌شود و به همین فراخور بهشتی معتقد است:

برنامه مستمر خودسازی با استفاده از همه عوامل مؤثر در خودسازی، اما نه خودسازی خانقاهی، که خودسازی اسلامی مدنظر است. انسان در اجتماع و در میدان عمل و تلاش، نه انسان تک و تنها. مارکس انسان را فرزند کار و عمل معرفی می‌کند و قبل از او هگل با همان ایده آلیسم خویش چنین کرد. ولی اسلام فراتر و جامع‌تر از همه، انسان را ساخته عمل معرفی می‌نماید و این مسئله در روایات اسلامی مکرر گفته شده است... انسان با یک سلسله استعدادها، با یک سلسله مایه‌ها و دست‌مایه‌ها به وجود می‌آید اما انسان آینده، ساخته دست عمل است با بینش صحیح و با بسیج کردن همه استعدادهای نهفته برای عمل و قرار گرفتن در حلقه خوبان، یعنی خوبان تلاش‌گر، سخت‌کوش و مقاوم می‌توانند چنین شوند.<sup>۳</sup>

آیت‌الله بهشتی، برای ارایه یک تعریف منطقی از انسان، از روش تقسیم‌ثنائی بهره می‌برد و با خارج کردن مشترکات انسان و سایر موجودات می‌کوشد تا برای انسان فصل

۱. سید محمد حسینی بهشتی، *باید‌ها و نباید‌ها*، همان، ص ۵۰-۴۹.

۲. سید محمد حسینی بهشتی، *سه‌گونه اسلام*، تهران، بقعه، ۱۳۸۵، ص ۳۱.

۳. همان، ص ۳۵-۳۴.

قریبی دقیق‌تر از «ناطق» بجوید. از منظر ایشان ویژگی‌های دیگری نیز در انسان وجود دارد که بیش از هر ویژگی دیگر می‌تواند انسان را از غیر انسان ممتاز کند.

قدرت تحلیل‌گری فکری، خلاقیت، نوآوری، انتخاب‌گری و اختیار عناصری هستند که هر یک در پیوندی عمیق با دیگری، انسان را به طور کامل از غیر خودش ممتاز می‌کند. در باور ایشان خلاقیت و نوآوری محصول تحلیل‌گر بودن انسان و اختیار لازمه انتخاب‌گری اوست. بنابراین، تعریف ایشان از ماهیت انسان چنین است: موجودی دارای حیات، رشد‌کننده و برخوردار از حواس، که کارهایش تنها از بستر میل بر نمی‌خیزد بلکه همواره با تحلیل‌گری و براساس انتخاب و اختیار انجام می‌شود. به بیان دیگر تعریف منطقی انسان از منظر ایشان عبارتست از جاننداری اندیشمند، تحلیل‌گر، خلاق، نواندیش، نوآفرین و مختار. دو ویژگی در انسان هست که سخت به هم مربوط است؛ یکی قدرت تجزیه و تحلیل و جمع‌بندی. انسان جاننداری است برخوردار از قدرت اندیشه. جاننداری است که می‌اندیشد. یعنی روی دریافت‌های حسی و درونی‌اش محاسبه می‌کند؛ مطالعه می‌کند؛ تجزیه و تحلیل می‌کند؛ جمع‌بندی می‌کند؛ و در این بعد توانایی خاصی دارد. انسان در این بعد یک خصوصیت دارد و آن ابتکار و خلاقیت و نوآفرینی است. بنابراین، می‌گوییم اندیشه تحلیل‌گر جمع‌بندی‌کن نوآفرین. ولی اگر تنها ویژگی انسان قدرت اندیشه و تجزیه و تحلیل و خلاقیت و ابتکار و نوآفرینی بود، فکر نمی‌کنم می‌توانست خود را به عنوان تافته جدا بافته عالم هستی بشناسد؛ بعد دیگر و ویژگی دوم، که به انسان کرامتی خاص خودش و ارزشی فوق‌العاده داده و به راستی او را به عنوان یک موجود برتر در عالم خلقت شناسانده، چیست؟ آن بعد دیگر عبارت است از آزاد بودن و انتخاب‌گر بودن. انسان جانور و جاننداری است اندیشمند، تحلیل‌گر، خلاق، نواندیش، نوآفرین. اینها همه یک؛ و دو: مختار.

بنابر آنچه گذشت می‌توان گفت از منظر شهید بهشتی ماهیت انسان یا به عبارت دیگر پاسخی که می‌تواند در برابر سؤال از چیستی او ارائه شود با ویژگی‌های اصلی اندیشمندی و تحلیل‌گری و مهم‌تر از آنها اختیار همراه است. از آنجا که فصل را مقوم و محصل نوع دانسته‌اند با صراحت می‌توان گفت انسانی که نمی‌اندیشد و اختیار و انتخاب



بهشتی اعتقاد دارد جامعه اسلامی باید از مصرف‌زدگی ناشی از «خودپرستی و هوس‌کیشی» رهایی یابد؛ زیرا انسان‌های هوس‌گرایکی از آسیب‌های جدی جوامع بشری محسوب می‌شوند. از این رو، انسان‌ها باید سعی نمایند از مادی‌گرایی رهایی یابند تا جامعه ایمانی تحقق یابد

رافرو می‌نهد ماهیتی انسانی ندارد. در میان آثار ایشان، تعریف دیگری از انسان نیز به چشم می‌خورد. تعریفی که از بستر اندیشه فلسفی و جهان‌بینی توحیدی برمی‌خیزد. آیت‌الله بهشتی، تعریفی فلسفی از انسان ارایه می‌کند که ناظر به هویت اوست: در جهان‌بینی اسلام، انسان شدنی است مستمر و پویایی است خودآگاه، انتخابگر و خودساز. ایشان شخصیت انسانی را، شخصیتی سیال و متغیر می‌دانند که در هیچ لحظه‌ای به

حال قبلی خود باقی نمی‌ماند و هر لحظه در حال «شدنی» تازه است. همان مفهومی که در حرکت جوهری انسان بیان شد. از دیگر سوی عناوین سه‌گانه بعدی نشانگر این حقیقت است که شدن انسان و حرکتش از قوه به فعل مرهون خودآگاهی، انتخابگری و خودسازی اوست. به این معنی که سعه وجودی و مرتبه بودن و وجود انسان مستقیماً محصول آگاهی و انتخابگری اوست و اوست که با بهره‌مندی از چنین ویژگی‌هایی، چگونه بودن خویش را رقم می‌زند. در مجموع هر دو تعریفی که ایشان از انسان به دست می‌دهند نقش بسیار پر رنگ و دو عنصر اختیار و آگاهی جالب توجه است؛ عناصری که به باور ایشان منشأ کرامت انسان و سبب شایستگی او برای احراز مقام خلیفه الهی و نمایندگی خدا روی زمین است. با توجه به این دو عنصر اساسی می‌توان گفت حرکت از (بودن) به (چگونه شدن) در انسان محصول این دو عنصر است.<sup>۱</sup>

در کتاب *شناخت عرفانی* این گونه تشریح می‌شود که انسان اگر به پوییش و حرکت و جنبش و تلاش خودش نگاه بکند، اگر به خویشتن خویش باز گردد، اگر آهنگ زندگیش را به دقت بنگرد، می‌بیند زندگی انسان اگر صرفاً بر پایه محاسبات و برنامه‌ریزی‌ها و جهت‌یابی‌های عقل حسابگر باشد زندگی او پوچ و بی‌معنی است... ریشه سلطه نیهیلیسم و پوچ‌انگاری بر ذهنیت بخش عظیمی از انسان‌ها و جوامع پیشرفته صنعتی در همین است. در این رابطه که انسان هر چه بهره‌مندتر و به‌آرزو رسیده‌تر باشد، خطر نفوذ احساس پوچی و هیچی در او بیشتر است. برای اینکه آنهایی که هنوز به خیلی چیزها نرسیده‌اند. ذهنیت‌شان به همان چیزهایی که به آنها دست نیافته‌اند متمرکز است و

۱. محمدحسن مخبر، نگاه‌های دوباره؛ بازخوانی اندیشه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی شهید آیت‌الله دکتر بهشتی، «تعریف انسان در آیین اندیشه شهید مظلوم آیت‌الله دکتر بهشتی»، قم، دانشگاه مفید، ۱۳۹۲، ص ۲۵۴-۲۴۹.



فرصت این اندیشه بالاتر و این حساب و محاسبه اساسی تر را پیدا نمی کنند. اما اگر آدم همه اینها را طی کرد و در آخر دید که حالا چه شد، می بیند هیچ است... تمام تلاش ها و کارهای انسان های بی ایمان و خدا گم کرده و ضالین و سرگشته و بی هدف، نظیر سرابی است که تا آدم به آن نرسیده دنبالش می دود؛ سرابی در بیابانی در برابر انسان تشنه سیراب نشده ای؛ سرابی در بیابانی، تالابی در بیابانی، در برابر دیدگان حریص تشنه ای که از دور آن را آب می پندارد ولی وقتی به آن می رسد می بیند چیزی نیست. اگر انسان به آن نقطه رسید که دید چیزی نیست و توانست به خود بیاید و بیدار بشود، توانست به آنجا برسد که بفهمد اینها همه حجاب و پرده بود و رخ دلدار را در آنجا بیاید، به سعادت رسیده است.<sup>۱</sup> شهید بهشتی در تعبیری زیبا این ارتباط را با تمثیل عاشقی تشریح می کند:

برای انسان حسابگر، انگیزه ها، معشوق ها، خواسته ها، خواسته ها و محبوب ها وجود دارد. وقتی این انسان حسابگر به آنها رسید و اشباع شد تازه می بیند که همه قافیه ها را یک جا باخته؛ دیگر برای او عشقی، محبتی، گرمایی، فروغی و آتشی نمی ماند، در حالی که انسان تا وقتی زنده است که عشقی داشته باشد. زندگی بی عشق مردگی است. همه انسان هایی که زود بفهمند؛ زندگی بی عشق مردگی است، همه این معشوق ها و محبوب ها و خواسته ها موقت و گذراست و در خور آن نیست که عشق انسان بماند و عشق انسان باشد، همه اینها خیلی آسان... به خدا می رسند؛ آن که «یحییم و یحیونه» است.<sup>۲</sup>

البته نباید نادیده گرفت که بهشتی منکر محاسبه گری انسان نمی شود بلکه عقل محاسبه گر مادی را به تنهایی برای سنجش رفتار و عملکرد مناسب نمی داند زیرا گمراه کننده است. به همین منظور، وی انسانی را مورد نظر دارد که خداترس است و به همین دلیل دائماً به محاسبه عملکرد خویش می پردازد تا در مسیر گمراهی و غفلت قرار نگیرد. از این رو، محاسبه گری صحیح کردار و رفتار امری پسندیده است. ایشان در کتاب شب قدر، شمای کلی یک انسان نمونه را با ظرافت زیبایی که مستخرج از مبانی اسلامی و قرآن شریف است، این گونه ترسیم می کند:

یکی از نشانه های انسان خداترس این است که می بینی در دین قوی است، انضباطش با نرمش همراه، ایمانش از روی یقین، حریص به کسب

۱. سید محمد حسینی بهشتی، شناخت عرفانی، تهران، بقعه، ۱۳۹۰، ص ۱۴-۱۰.

۲. همان، ص ۱۴.



آگاهی و آگاهی‌همراه با پرظرفی و شکیبایی است. در حال بی‌نیازی و دارایی میانه‌رو، در عبادت و بندگی خدا خاشع، و در تهیدستی با ظاهری آراسته، در سختی پر توان در پی درآمد حلال، شاداب و در راه راست و گریزان از طمع و آزار است. به کارهای شایسته می‌پردازد، اما باز هم نگران است. روز را با اهتمام به سپاس و قدردانی نعمت خدا به پایان می‌برد و با اهتمام به یاد خدا و دل‌بیداری آغاز می‌کند، شب با دلهره سر بر بالین می‌نهد و بامدادان شاد و خرم به استقبال کار و تلاش می‌رود و دلهره از این دارد که مبادا دچار غفلت و بی‌خبری شده باشد. رحمت و بخشایش الهی که با تلاش خویش بر آن دست یافته است. اگر دل پر هوس در برابر انجام وظیفه‌ای که برایش نامطلوب است از فرمان او سرپیچید، او را تنبیه کند و در جای دیگر از برآوردن تمنا و خواسته‌اش سر برتابد. چشمش به ارزش‌های جاودانه و فناپذیر روشن است و دلش از آنچه زودگذر و ناماندنی است روگردان. پرظرفی و شکیبایی را با آگاهی در آمیخته و حرف را عمل می‌سازد. آرزویش دور و دراز نیست، لغزش کم، قلبش خاشع، دلش قانع، خوراکش اندک، کارش آسان، دینش استوار، شهوتش مرده و خشمش فرو برده است. به او امید خیر می‌رود و از آسیب و آفتش نگرانی نیست. اگر در میان بی‌خبران به سر می‌برد، باز هم نامش در شمار هشیاران بیدار دل می‌آید، و اگر در میان بیدار دلان است، از بی‌خبران محسوب نمی‌گردد. اگر کسی بر او ستم کند، وی را می‌بخشاید و اگر احسان خود را از او بازدارد، باز هم به او احسان می‌کند، و اگر از او ببرد، باز هم او در تجدید پیوندها می‌کوشد.<sup>۱</sup>

بهشتی معتقد بودند که ممکن است مواضع انسان در دگرگونی‌ها تغییر کند<sup>۲</sup> و شاید علت این موضوع را وجود خواسته‌ها، امیال و تمایلات گوناگون انسان می‌دانست<sup>۳</sup> ولی تأکید داشتند که انسان مسلک‌دار باید تابع مسلک باشد<sup>۴</sup> و انسان دارای بینش ماتریالیستی و مادی‌گری، با انسان دارای بینش الهی از یک سو متصل به مبدأ و از سوی دیگر به معاد، خود به خود و به صورتی اجتناب‌ناپذیر، معیارهای فکری و مقیاس‌های

۱. سید محمد حسینی بهشتی، شب قدر، تهران، بقعه، ۱۳۹۰، ص ۷۰-۶۸.

۲. سید محمد حسینی بهشتی، دکتر شریعتی جست‌وجوگری در مسیر شدن، تهران، بقعه، ۱۳۹۰، ص ۹۵.

۳. سید محمد حسینی بهشتی، گفتار عاشورا، «مبارزه پیروز»، تهران، میلاد، بی‌تا، ص ۳۸.

۴. سید محمد حسینی بهشتی، بانکداری، ربا و قوانین مالی اسلام، همان، ۱۳۹۰، ص ۳۳.



بررسی شان، نمی‌تواند کاملاً و صد در صد یکسان باشد. حتی وقتی در یک مسئله مادی هم بحث می‌کنند، باز معیار و مقیاس شان با هم کم و بیش متفاوت است و اساساً نمی‌تواند تفاوت نداشته باشد. اینها نمی‌توانند از یک دیدگاه و از یک نقطه نظر، به مسائل بنگرند، بالأخره دو دیدگاه است.<sup>۱</sup> بهشتی اعتقاد دارد که آئین اسلام بر انسان چند بعدی تأکید دارد و در این زمینه می‌فرماید:

اسلام آئین انسان‌سازی است و انسان تک‌بعدی نمی‌سازد، بلکه انسان دارای قدرت تکامل در ابعاد گوناگون می‌سازد و ساختن انسان چندبعدی، نه تک‌بعدی.<sup>۲</sup>

بنابراین، انسان مورد نظر بهشتی بر اساس موازین اسلامی باید مترصد تکامل فضیلت‌های انسانی باشد و ضمن توجه به پاکدامنی و خویشستن داری، باید از خود کامگی‌ها جلوگیری نماید؛

آنچه اسلام از هر مسلمان، از مرد و زن، از پیر و جوان می‌خواهد، پاکدامنی و خویشستن داری در برابر طغیان هوس‌ها، پیشگیری از عوامل مختلف فردی و اجتماعی که به طغیان هوس‌ها و افسارگسیختگی و خود کامگی انسان کمک می‌کند، دفاع از عدالت همه‌جانبه و ریشه‌دار اجتماعی و کوشش در راه تکامل فضیلت‌های انسانی است.<sup>۳</sup>

در کتاب فلسفه دین نیز بهشتی ذیل «انسان از دیدگاه قرآن» بیان می‌کند: ماجرای آفرینش آدم در قرآن چنین ترسیم شده است که آدمی در جریان تحول مادی و دگرگونی‌های فیزیولوژیک به مرحله‌ای رسید که بانفخه روح الهی، آفرینش دیگر یافت و در مسیر عادی طبیعی خود به یک جهش الهی و ملکوتی دست یافت و موجودی برتر شد بدان گونه که حتی فرشتگان مأمور شدند در پیشگاه او خضوع کنند و نیروهای معنوی جهان هم رام او باشند. شجره ممنوعه بهشت، نه آن شجره معرفتی است که نباید بدان دست یافت، بلکه نوعی سودجویی و کامجویی است که باید مهار شود و بدین وسیله، انسان نیروی اراده و خودداری خویش را بیازماید، حتی اگر عصیان می‌کند، نشانه اراده آزادی است که به او داده شده است. دست یافتن به معرفت نه تنها برایش ممنوع نیست، بلکه بدین موهبت مخصوص شده که خدایش به او آنچه را که نمی‌داند تعلیم می‌کند و اصولاً راز شرفش بر فرشتگان، آگاهی‌هایی است که پیدامی‌کند، همان چه که فرشتگان

۱. همان، ص ۱۵۳.

۲. سید محمد حسینی بهشتی، روش برداشت از قرآن، همان، ص ۴۷.

۳. سید محمد حسینی بهشتی، اتحاد به انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا، همان، ص ۱۹.



شهید بهشتی: انسان شدنی است، صیوررتی است، پوششی است، حرکتی است خودآگاه، خودساز، محیط‌ساز و انتخاب‌گر، که بر اساس انتخاب آگاهانه و آزادانه‌اش هم خود را می‌سازد و هم در تغییر ساخت محیط طبیعی خود دخالت گسترده می‌کند و محیط اجتماعی خود را می‌سازد

بر آنها دست نیافتند. حتی اخراج از بهشت، مقدمه نوعی خودکفایی و بروز استعدادها و تکاپوی خلاق است و حرکتی است از مرحله پیش‌ساختگی به مرحله خودسازی. هبوط گرچه به دنبال عصیان است اما طرد و نفرت دائم بر نمی‌انگیزد و با استغفار و خودآگاهی مورد رحمت قرار می‌گیرد. رابطه خدا با انسان، نه موضع‌گیری خصمانه است و نه رقابت، چون خدا غنی بالذات و قادر مطلق است که اگر همه انسان‌ها از فرمانش سرپیچی کنند به

او زیانی نمی‌رسد و در او کمبودی حاصل نمی‌شود، لذا از نگرانی و حسد به دور است. وانگهی عصیان انسان نه با قدرت حاکمانه‌ایست که دست خدا را ببندد، بلکه با همان قدرت انتخاب و نیروی اراده‌ایست که خدا به او عطا کرده است. خدا انسان را در روی زمین خلیفه قرار داد، یعنی حاکمیت و سلطه زمین برای اوست، که بر آن حکمی راند و در آن تصرف کند و این نه تنها در زمین که در آسمان نیز؛ مواهب سماوی که قابل مهار کردن و تصرف انسان‌هاست در چنبر تسخیر آنان قرار داده شده است. خدا را نه از آفرینش سلطه انسان‌ها بر طبیعت و اهمیت‌ایست که او را بر این تشویق می‌کند و از او می‌خواهد تا زمین را آباد کند و از نیروهای نهفته کوه‌ها و دشت‌ها بهره‌برگیرد و راز کرامت انسان این حاکمیت و قدرت تصرف و تسلط بر خشکی و دریاست. انسان در بینش قرآن، نه موجودی پیش‌ساخته و محکوم طرح جبری تقدیر است، و نه موجودی تهی و رها و بر خود واگذار شده، در محیطی تاریک و بی‌هدف. بلکه انسان سرشار از استعدادها و تمایلات و انگیزه‌ها و سائقه‌ها است، همراه نوعی رهبری درونی و هدایت فطری که اگر آلوده نگردد به سوی حق فراخوانده می‌شود و استعداد یافتن آگاهی و مهارت‌های خلاق را دارد. در عین حال، این انسان حامل بار امانت الهی است که همان شعور و اراده نافذ است که مسئولیت‌زاست و هم رمز انسانیت انسان است و این موهبت بزرگ همان است که آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها یارای پذیرش آن را نداشتند و برازنده آن نبودند چون واجد استعداد و لیاقت حمل آن نبودند و انسان توانست نیروی انتخاب و اراده آزاد را بپذیرد.<sup>۱</sup> بر اساس مبانی انسان‌شناسی شهید بهشتی، انسان‌ها با یکدیگر برابر هستند و هیچ‌گونه امتیاز طبقاتی بیجا برای افراد وجود ندارد زیرا خداوند انسان‌ها را فارغ از رنگ و نژاد و با

۱. سید محمد حسینی بهشتی، درس‌گفتارهای فلسفه دین، همان، ص ۳۰۴-۳۰۱.

جنسیت و مذهب برابر آفریده است و بر اساس همین مبانی است که همه افراد بهره‌مند از حقوق و آزادی‌های اجتماعی هستند. ایشان می‌فرمایند:

دین آسمانی اسلام این گونه امتیازات ناروا را به کلی الغا کرده است و در اسلام امتیاز طبقاتی به هیچ وجه و هیچ رنگ وجود ندارد. افراد انسان، سفید و سیاه، عرب و عجم، شرقی و غربی، شهری و روستایی، عالم و جاهل، فقیر و غنی، سردار و سرباز، شاه و رعیت و سایرین همه در استفاده از کلیه حقوق و آزادی‌های اجتماعی برابرند. ملاک به دست آوردن مشاغل و مناصب، شایستگی شخصی و معلومات و صفات و ملکات لازم برای تصدی آنها است و هیچ عامل خانوادگی و ارثی در آن دخالت ندارد. از هر کس می‌پرسند خودت کیستی و چیستی؟ نمی‌پرسند پدرت کیست و از کدام قبیله، خانواده و طبقه هستی. همه کس می‌تواند با پشت کار و کوشش و به کار انداختن استعدادهای خداداد خود به هر کار که بخواهد و شایستگی آن را پیدا کند بپردازد. حتی عالی‌ترین مناصب و مقامات اجتماعی حکومتی و عالی‌ترین مدارج علمی و معنوی در گرو هیچ چیز جز شایستگی نیست. در اسلام کسب علوم و معارف گوناگون در انحصار طبقه معینی نیست. همه به کسب علوم و معارف دین و آشنایی به قرآن و روایات تشویق شده‌اند. زبان کسی برای خواندن آیات قرآن یا روایات بریده نمی‌شود. حافظ قرآن و حدیث، هر که باشد، مورد تشویق و تکریم است و پیکر هیچ کس برای از بر کردن آیات قرآن یا احادیث پاره پاره نمی‌شود. این حقوق همگانی و تشویق عمومی از صدر اسلام تاکنون همواره برای همه محفوظ بوده است. در اسلام همه مردم در برابر کلیه قوانین و دستگاه‌های قانونی برابرند. هر کس از هر طبقه و دارای هر شغل و مقام و منصب باشد مشمول کلیه قوانین هست. قوانین اسلام و دستگاه‌های قضایی و اجرایی آن، شغل و مقام و مزایای فردی نمی‌شناسد. رئیس حکومت با یک فرد عادی، مالک عمده با کشاورز، کارفرمای بزرگ با کارگر ساده، عالم و جاهل، مرجع تقلید و مقلدین او، شاه و رعیت و... همه در برابر قانون و مجریان آن یکسانند. در دادگاه‌ها و سازمان‌های دیگر حکومتی حتی انجام تشریفات خاص برای



### اشخاص ممنوع است.<sup>۱</sup>

در نوع نگرش نسبت به ویژگی‌های باطنی و ظاهری افراد در اندیشه بهشتی، دو دسته از انسان‌ها در مقابل یکدیگر در صحنه‌های سیاسی صف‌بندی می‌کنند؛ عده‌ای خداپرست و عده‌ای دیگر هواپرست هستند. جبهه حق را خداپرستان تشکیل می‌دهند و دسته دوم را اهل باطل یا همان استثمارگران تشکیل می‌دهند. از این رو، نوع نگرش به انسان‌ها در گفتار و تقریرات شهید بهشتی، نوع عملکرد گروه‌های سیاسی را نمایان می‌سازد. به عنوان مثال، ایشان بیان می‌کنند که دو جریان سیاسی در عالم وجود دارد؛ جریان صالحین و جریان فاسدین.

ایشان در خصوص این موضوع بیان می‌کنند:

مبدأ صلاح در درون انسان است؛ ایمان است، عمل صالح است، اخلاق است؛ اخلاق متعالی؛ به سوی خدا حرکت کردن است. بازتاب بیرونی اش جنگ میان طاغوتیان و الاهیان است. همان طور که در درون، جنگ میان گرایش به خدا و میل به خدا و گرایش به شیطان و هوای نفس است، در برون هم جنگ میان کسانی است که هواپرستند و خداپرستند. این هواپرستی می‌تواند اشکال گوناگونی داشته باشد. یکی از شکل‌هایش استثمارگری است؛ یکی از شکل‌هایش سلطه‌گری است؛ یکی از شکل‌هایش تبهکاری و باده‌گساری و زن‌بارگی است و هر فساد دیگری. ما بیابیم همه این فاسدها را در یک جبهه بیاوریم؛ همه صالح‌ها را هم در یک جبهه. بگوییم صالحین، فاسقین؛ مؤمنین، کافرین؛ عبادالله، عبادالشیطان. اگر اینطور کردیم، فکر می‌کنم به یک نتیجه مطلوب می‌رسیم.<sup>۲</sup>

بهشتی اعتقاد دارد جامعه اسلامی باید از مصرف‌زدگی ناشی از «خودپرستی و هوس‌کیشی» رهایی یابد؛ زیرا انسان‌های هوس‌گرا یکی از آسیب‌های جدی جوامع بشری محسوب می‌شوند. از این رو، انسان‌ها باید سعی نمایند از مادی‌گرایی رهایی یابند تا جامعه ایمانی تحقق یابد و همان‌گونه که ایشان بیان می‌دارد:

چه عواملی ما را از کسب ایمان باز می‌دارد؟ خودپرستی، هواپرستی،

۱. سید محمد حسینی بهشتی، مباحثی درباره مرجعیت و روحانیت، «روحانیت در اسلام و در میان مسلمین»، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۴۱، ص ۱۴۱-۱۳۹، همچنین رک: سید محمد حسینی بهشتی، روحانیت در اسلام و در میان مسلمین، تهران، روزنه، ۱۳۹۵.

۲. سید محمد حسینی بهشتی و دیگران، آزادی، هرج و مرج و زورمداری، همان، ۱۳۹۰، ص ۱۱۹.

هوس کیشی؛ مسئله‌ای که امروز دنیای مصرفی، به تعبیری دنیای گنزومیست با توجه به هوس کیشی بدان گرفتار است و راه را بر همه نهضت‌های اصیل مشکل می‌کند. انسان‌های رفاه‌زده، انسان‌های هوس کیش، اصالت لذت مادی، اصالت لذت‌های شکمی و از شکم به پایین؛ دیگر جایی برای قلب و مغز باقی نمی‌گذارد؛ قلب را که اصلاً می‌میراند، مغز را هم در خدمت همان شکم و پایین تر درمی‌آورد. تمام شد، سخت مواظب باشید دچار هوس کیشی نشوید.<sup>۱</sup>

باید اذعان داشت که مبانی انسان‌شناسی شهید بهشتی بر اندیشه‌های سیاسی وی تأثیر زیادی گذاشته است تا جایی که آزادی به عنوان یکی از کلیدی‌ترین مؤلفه‌های اندیشه سیاسی ایشان، بر اساس نوع نگرش به انسان تعریف، پردازش و مفهوم‌سازی می‌شود. ایشان از چند اصل مهم یاد می‌کنند که به اختصار می‌توان رابطه آزادی و نوع نگرش به انسان را در منظومه فکری ایشان مورد بررسی قرار داد. این اصول عبارت‌اند از: یک. انسان شدنی است، صیوروتی است، پویشی است، حرکتی است خودآگاه، خودساز، محیط‌ساز، و انتخاب‌گر، که بر اساس انتخاب آگاهانه و آزادانه‌اش هم خود را می‌سازد و هم در تغییر ساخت محیط طبیعی خود دخالت گسترده می‌کند و محیط اجتماعی خود را می‌سازد.

دو. محیط اجتماعی هم ساخته شده انسان است و هم در ساخت او نقش دارد. ولی در این ساختن متقابل، اصل انسان و خودسازی درونی اوست.

سه. بنابراین، انسان نه محکوم جبر طبیعی است، نه محکوم جبر اجتماعی و تاریخی، بلکه به هر حال در برابر محدودیت‌هایی که طبیعت یا نظام اجتماعی برایش به وجود می‌آورد قدرت حرکت مخالف دارد. بدین ترتیب یکی از بزرگ‌ترین ویژگی‌های انسان این است که به راستی آزاد است و انتخاب‌کننده، و این صرفاً یک حق نیست، بلکه یک واقعیت هم هست، که انسان هر چه بیشتر به آن بپردازد، گسترده‌تر و پیشرفته‌تر می‌شود.

چهار. در رابطه با انسان، یعنی فرد و جامعه و اصالت فرد و اصالت جامعه، ما معتقد به نقش متقابل فرد و جامعه هستیم، اما با تأکید بر نقش فرد به عنوان مبدأ. پیشنهادی که حرکت‌ها را آغاز می‌کنند و قدرت درک درد و رنج و آرمان‌ها و زمینه‌های حرکت توده‌ها را دارند، می‌توانند آنها را به حرکت درآورند و با کمک آنها جریان‌های اجتماعی نویی را به

۱. سید محمد حسینی بهشتی، سه‌گونه/سلام، همان، ص ۴۲.



وجود آورند که این جریان‌ها روی بسیاری از افرادی که دیرتر آگاه می‌شوند و به حرکت درمی‌آیند، اثر می‌گذارند و آنها را با خود همراه می‌کنند. این نقش فرد، نقش افراد پیشتاز، سابقون سابقون، و نقش آنها بی‌کی که توانسته‌اند با خودسازی، آگاهی خودشان را بیشتر و بالاتر ببرند، در ایجاد حرکت‌ها و به حرکت درآوردن و آگاه‌تر کردن توده‌ها، از مسائل مهمی است که ما در فهم مسئله آزادی خیلی روی آن تکیه داریم. همچنین بر رابطه‌ای که بعد میان اینها و توده‌ها به وجود می‌آید و باز توده‌ها را به عنوان افراد آگاه و شیفته یک جریان به میدان نبرد سازنده اجتماعی می‌کشد، تکیه داریم. روی این هم تکیه داریم که به هر حال در این جریان آنچه خیلی مهم است این است که افراد از روی آگاهی و خصلت‌هایی که برای خودشان به وجود می‌آورند و در آنها زمینه دارد و به آن رشد می‌دهند، می‌توانند حرکت داشته باشند؛ حرکت آزاد آگاه، فارغ از وابستگی‌های طبقاتی، فارغ از مسائل گفته‌شده در زمینه تضادهای طبقاتی. اینها می‌آیند تا تضادها را از بین ببرند و جامعه اسلامی توحیدی را که بر محورهای ارزش‌های الهی، یگانه می‌شود، پدید آورند. نمی‌توان این نقش و این تحرک و این انبعاث آنها را با مسائل طبقاتی و تضادهای طبقاتی توجیه کرد. بنابراین، محیط اجتماعی نقش دارد: نقش آسان‌کننده تغییرات درونی یا دشوارکننده آن. از این رو، در هدایت کلی یک جامعه به سوی فلاح، نمی‌شود به وضع محیط اجتماعی به کلی بی‌اعتنا بود و گفت هر فردی خود را بسازد تا جامعه ساخته شود. نه؛ این طور نیست.<sup>۱</sup>

در نهایت، مذاقه در مجموعه تقریرات و بیانات شهید بهشتی گواه این مسئله است که نوع نگاه ایشان به انسان، مبتنی بر انسان‌شناسی دینی است و مقتضیات این نگرش دینی به جامعه انسانی، وجود پذیرفتن دو بعد برای انسان می‌باشد؛ بعد مادی و معنوی که این دو با یکدیگر ارتباط دارند و تعالی هر کدام در گرو دیگری است؛ به این معنا که برای رسیدن به تعالی بعد معنوی انسان نمی‌توان از رشد مادی جنبه‌های انسانی غفلت نمود و بالعکس. این جریان باعث می‌شود که مؤلفه‌های کلیدی اندیشه ایشان نظیر حکومت، عدالت، قدرت، امنیت، نظام عادلانه اجتماعی و... تحت تأثیر این نگاه باشند.

#### ۴. اسلام به عنوان منبع اصلی اندیشه‌های بهشتی

پیروزی انقلاب اسلامی و شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی، نویدبخش حضور فعال دین در عرصه‌های سیاسی-اجتماعی بود. این ایده در سطح ملی ترسیم‌کننده هویت

۱. سید محمد حسینی بهشتی و دیگران، آزادی، هرج و مرج و زورمداری، همان، ص ۷۸-۷۵

رویکرد شهید بهشتی به قرآن به عنوان راهنمای عمل و اندیشه و اسلام به عنوان مکتب راهنمای بشر بوده است. در این راستا، هر چند به یک معنا همه آثار او بر مبنای اصل قرار دادن فهم قرآنی برای مواجهه با مسائل مختلف شکل گرفته‌اند، برخی از آثار به شکل خاص‌تر به دانش قرآن‌شناسی اختصاص دارد

دینی- ملی و حیات سیاسی- اجتماعی ایرانیان و در سطح فراملی تبیین‌کننده ضرورت بازسازی تمدن اسلامی و اعاده هویت و عزت به مسلمانان در دوران معاصر بود. ترسیم هویت دینی- ملی و تلاش برای بازسازی تمدن اسلامی، پرسش‌ها و معضلاتی جدید را در دو سطح مذکور به وجود آورد که تاکنون منابع دینی و دین‌داران در عرصه علوم و مراکز علمی با آن به طور جدی مواجه نشده بودند. پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها و معضلات، بی‌تردید نیازمند بازنگری در مبانی و بینش حاکم بر علوم انسانی و اجتماعی

رایج در کنار بازگشتی روشمند و نقادانه به سنت فکری است. این بازنگری ضمن فراهم ساختن زمینه‌های لازم برای بهره‌گیری از توانمندی‌های سنت و دانش سنتی، امکان استفاده از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های علوم جدید در دوران معاصر را به ارمان می‌آورد.<sup>۱</sup> بی‌تردید برای انسان که مخلوق برگزیده خداوند متعال است، بالاترین علوم و نیکوترین هدایت‌ها لازم است که قرآن کریم بلاشک واجد چنین امتیازی بوده و اساساً جهت هدایت انسان نازل شده است و این قرآن هدایت است که راه میانه و مستقیم برای پیشرفت و تکامل انسان در تمامی ابعاد حیات فردی و اجتماعی در حوزه‌های مختلف زندگی را برای او فراهم می‌سازد. به تعبیر قرآن کریم: «قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَ كِتَابٌ مُبِينٌ يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَ يَخْرِجُهُم مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَ يَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»<sup>۲</sup> و وجه تمایز اصلی این هدایت نورانی و روش‌های توأم با سعی و خطای بشری که در اغلب موارد آن نتایج و دستاوردهای خسارت‌بار و غیر قابل جبران را نصیب انسان‌ها و جوامع می‌سازد، همین است که نور هدایت قرآن محکم‌ترین و پایدارترین رهنمودهاست که هیچ‌گاه نفی و نقص نخواهد شد. همان‌گونه که آمده است: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمٌ وَيُشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا.»<sup>۳</sup> اگر رهنمودهای غیر قرآنی انحراف‌پذیر و خطاپذیرند و امکان ابطال آن نیز ندامت و حسرت برای فرد و جامعه را به دنبال دارد و انواع عدم تعادل‌ها

۱. ابوالفضل سلطان محمدی، اندیشه سیاسی علامه وحید بهبهانی، تهران، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶، ص ۹.

۲. قرآن کریم، سوره مائده، آیات ۱۵ و ۱۶.

۳. همان، سوره اسراء، آیه ۹.



و اعوجاج‌ها و بی‌ثباتی‌ها را می‌تواند در پی داشته باشد، اما آموزه‌ها و هدایت‌های ناب قرآنی انحراف‌ناپذیر است و خطا و بطلان در حریم مقدس آن امکان ورود نخواهد داشت.<sup>۱</sup> به همین دلیل است که سید قطب بیان می‌کند زندگی در سایه (صراط) قرآن کریم، نعمتی است که فقط هر کس که آن را چشیده باشد، آن را ادراک می‌کند.<sup>۲</sup> از این رو، تعلیم قرآن منشأ عملکرد انسان‌ها در افعال خارجی اوضاع نفسانی آنها می‌باشد و همان اوضاع نفسانی است که منشأ عملکرد سوء یا خوب آنها در روابط با دیگران می‌شود.<sup>۳</sup>

دامنه مطالعات و تحقیقات آیت‌الله دکتر سید محمد حسینی بهشتی به قدری گسترده و متنوع و در عین حال عمیق است که به راستی توصیف او به صفتی معین را دشوار می‌کند. تحقیقات ژرف‌اندیشانه در فلسفه اسلامی، فهم متون فلسفه غرب که با تسلط وی به زبان‌های انگلیسی و آلمانی بدون واسطه صورت می‌گرفت، دانش تحلیلی او از تاریخ اسلام و جهان، آشنایی با تاریخ و فلسفه علم، مطالعات گسترده در زمینه علوم اجتماعی و انسانی نوین، دانش عمیق در فقه و اصول آن و تبحر در علوم حدیث، آن چنان در آثار به جای مانده از او متجلی است که زبان را در مقابل توانمندی‌هایی که طی عمر کوتاه پنجاه و سه ساله‌اش کسب کرده، به تحسین وامی‌دارد. اما گراف نیست که مهم‌ترین دغدغه فکری وی را فهم قرآن و یافتن راه‌های عمل به آن در زندگی شخصی و اجتماعی بدانیم. به همین سبب است که استناد به قرآن و تکیه بر استدلال‌های قرآنی، تقریباً بر همه گفتارها و نوشتارهای او سایه افکنده است.<sup>۴</sup> در کتاب/اندیشه‌های قرآنی شهید بهشتی آمده است:

از مروری بر آثار باقیمانده از شهید آیت‌الله دکتر سید محمد حسینی بهشتی و نیز زندگانی به نسبت کوتاه و کارنامه بس درخشان او در بیش از سه دهه تلاش اجتماعی، به عنوان یکی از برجسته‌ترین اندیشمندان مصلح مسلمان معاصر، درمی‌یابیم که رویکرد وی به قرآن به عنوان راهنمای عمل و اندیشه و اسلام به عنوان مکتب راهنمای بشر بوده است. در این راستا، هر چند به یک معنا همه آثار او بر مبنای اصل قرار دادن فهم قرآنی برای مواجهه با مسائل مختلف شکل گرفته‌اند، برخی از

۱. شوقی احمد دنیا، برداشت‌های اقتصادی از قرآن کریم، ترجمه محمد صفری، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۹، ص ۱۱-۱۲.
۲. سید قطب، فی ظلال القرآن، قاهره، دارالشروق، ۱۹۸۲، ج ۱، ص ۱۱، به نقل از ابراهیم برزگر، استعاره صراط در اندیشه سیاسی سید قطب، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۰، ص ۹.
۳. اصغر آقامهدوی، قدرت سیاسی، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۱، ص ۱۱.
۴. سید محمد حسینی بهشتی، در مکتب قرآن: تفسیر سوره حمد، تهران، روزنه، ۱۳۹۲، ص ۷.





آثار به شکل خاص تر به دانش قرآن شناسی اختصاص دارد. در این میان، دو دوره درس گفتارهای تفسیر قرآن، یکی در دوره تصدی مدیریت مرکز اسلامی هامبورگ (۱۳۴۹-۱۳۴۴) و دیگری پس از بازگشت و پیش از تعطیل شدن جلسات «مکتب قرآن» توسط ساواک در سال ۱۳۵۵، حائز اهمیت ویژه‌ای است. درس گفتارهای مربوط به دوره اقامت در آلمان، سوره‌های منتخب قرآن را در بر می‌گیرد و درس گفتارهای مربوط به «مکتب قرآن»، از ابتدای قرآن آغاز و به تفسیر آیات ۱۰۲ تا ۱۱۰ سوره آل عمران و بحث مبسوط امر به معروف و نهی از منکر خاتمه می‌یابد. افزون بر این، باید به درس گفتارهایی مراجعه کرد که در زمینه موضوعات خاص با محوریت قرآن ایراد شده است، مانند سلسله مباحث حق و باطل از دیدگاه قرآن. نوشتارها، گفتارها و گفت‌وگوهای متعدد دیگری نیز در این زمینه از شهید بهشتی باقی مانده است.<sup>۱</sup>

ایشان در خصوص قرآن بیان می‌کنند:

قرآن، کتابی ناظر به انسان و بافت‌های تودرتو و گوناگون روح و روان و اندیشه و رفتار برخاسته از امیال و خواسته‌های آدمی است. به دلیل گوناگونی انسان‌ها و تنوع بی‌اندازه‌یی که در بافت‌های روانی و ذهنی و رفتاری بشر هست، تأثیر قرآن بر روی انسان‌ها، متفاوت است.<sup>۲</sup>

البته ایشان تأکید دارند که هدف شناختن تعالیم اسلام است که به صورت یک نظام عقیده و عمل که به پرسش‌های انسان در همه مسائل عملی و در بخشی از مسائل نظری که به آغاز و انجام جهان و تبیین کلی خلقت مربوط است، پاسخ‌های روشن می‌دهد. در این شناخت در عین آگاهی بر نظام‌های دیگر فکر یا عقیده و عمل باید از مخلوط کردن این نظام‌ها با نظام خاص اسلام کاملاً پرهیز کرد مگر در مواردی که به راستی یک تعلیم اسلامی ناظر به یک تعلیم یا یک سلسله از تعالیم نظام دیگر یا نظام‌های دیگر باشد و بخواهد آن را رد یا تأیید یا اصلاح کند.<sup>۳</sup>

دکتر بهشتی شناختی نوگرایانه از اسلام داشته، با چنین رویکردی اسلام را نیز معرفی می‌کند. منبع چنین شناختی متون دینی و به ویژه قرآن کریم به مثابه متن

۱. بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید بهشتی، نگاه‌های دوباره: بازخوانی اندیشه‌های قرآنی دکتر بهشتی، قم، دانشگاه مفید قم، ۱۳۹۵، ص ۹-۸.

۲. سید محمد حسینی بهشتی، روش برداشت از قرآن، همان، ص ۲۳.

۳. رک: سید محمد حسینی بهشتی، کوششی نو در راه شناخت تحقیقی اسلام، تهران، روزنه، ۱۳۹۴.



اندیشه‌های شهید بهشتی تا حدودی متأثر از محیط سیاسی و اجتماعی ایشان و شرایط جهانی است ولی ایشان، تسلیم بی‌چون و چرای جریان‌های فکری و تحولات سیاسی نبودند بلکه با میزان اسلام به نقد و ارزیابی امور سیاسی می‌پرداختند و موضع‌گیری می‌نمودند

نخستین اندیشه اسلامی است اما آنچه شناخت وی را از دیگر گونه‌های معرفتی متمایز می‌سازد، رویکرد نوگرایانه وی در مراجعه به این متن است. این رویکرد در روش‌شناسی دکتر بهشتی نمایان است. روش‌شناسی دکتر بهشتی در مراجعه به قرآن کریم بر دو اصل بنیادین بنا شده است. اصل نخست، قابلیت فهم همگانی قرآن کریم است. به عقیده وی، قرآن برای استفاده همگان آمده است و این مطلبی است که آیات قرآن روی آن تأکید فراوان دارد. البته این امر، به مفهوم امکان فهم همه آیات برای همگان نمی‌باشد

چرا که قرآن کریم برخوردار از برخی آیاتی است موسوم به متشابه که فهم آنان نیازمند برخورداری از توانایی‌ها و قابلیت‌هایی است که همگان ممکن است دارا نباشند. از این رو، دکتر بهشتی با اذعان به این واقعیت این گونه نتیجه‌گیری می‌کند که قسمت عمده قرآن برای فهم عموم مردم است نه برای فهمیدن گروهی خاص. قابلیت فهم عمده قرآن کریم برای همگان البته مستلزم توجه به نکاتی است که وی بدین شکل خلاصه می‌کند؛ قرآن به زبان عربی است، به زبان عربی عصر پیغمبر است، مطلبی است که به صورت شفاهی القا شده و بعداً به صورت سینه به سینه ضبط شده و هم نوشته و ثبت شده است. بر اساس این نکات سه‌گانه، شناخت دقیق زبان عربی، شناخت معنای رایج واژگان و الفاظ قرآن کریم در عصر پیغمبر و نهایتاً شناخت شرایط محیطی و اجتماعی زمان نزول به مثابه قرائن مورد نیاز فهم صحیح آیات، لازم و ضروری است. افزون بر چنین پیش‌شرط‌ها و پیش‌زمینه‌های روش‌شناختی، درک ارتباط آیات قرآن نیز لازمه فهم صحیح آن به حساب می‌آید. از نظر دکتر بهشتی اگر چه قرآن کلامی است که در شرایط تاریخی خاصی نازل شده و به مسائل آن زمان نظر دارد اما به حکم این که کتابی جاوید و جهانی است، هرگز نمی‌توان مقصود از آیات را به آن چه مربوط به شرایط ویژه آن زمان است، محدود کرد و در نتیجه قابل تعمیم به زمان‌ها و مکان‌های دیگر است. این دیدگاه از آنجا که فهم قرآن کریم را تاریخ‌مند ندانسته و به تعمیم چنین فهمی به زمان‌ها و مکان‌های دیگر دانسته، در نتیجه احکام برگرفته از آیات را در زمان حاضر نیز لازم‌الاجرا می‌داند، با رویکرد تجددگرایانه متمایز می‌گردد و از آنجا که تعمیم چنین فهمی مستلزم تسلط بیشتر بر فهم همه قرآن است و در نتیجه نیازمند اجتهاد پویا و مطابق با شرایط



زمانی و مکانی است، با رویکرد سنت‌گرایانه نیز فاصله پیدا می‌کند. چنین اجتهادی در واقع برداشتی از قرآن کریم است که به حکم تعدد اجتهادات می‌توان به تعدد برداشت‌ها و تفاسیر از قرآن کریم نیز حکم راند. این نتیجه‌گیری، پای اصل بنیادین دیگر را در روش‌شناسی دکتر بهشتی به میان می‌آورد. اصل دوم، عدم جواز تفسیر به رأی است. بر اساس این اصل تعدد تفاسیر تا جایی معتبر شناخته می‌شود که منطبق بر قواعد تفسیری بوده و نه بر دریافت شخصی مفسر بدون توجه به قواعد مذکور.<sup>۱</sup> به همین دلیل، دکتر بهشتی به سطوح فهم قرآن کریم اعتقاد داشته، بر این باور است که در سطوح بالاتر از سطح عمومی و همگانی، فهم قرآن نیاز به تخصص دارد و در برخی از سطوح نیاز به استفاده از سرچشمه وحی نیز لازم است. وی دلیل چنین نیازی را عدم جواز تفسیر به رأی با وجود آیات متشابه در قرآن کریم می‌داند. وی آیات متشابه را به دو دسته تقسیم می‌کند؛ متشابه کامل مثل الم و امثال آن، و متشابه نسبی، یعنی عبارتی که تا حدودی معنایش روشن است ولی از یک حد فراتر، متشابه می‌شود و بنابر این متشابهات کامل به طور کلی و در متشابهات نسبی تا حدودی باید از دست زدن به تأویل خودداری کرد. از نظر وی، زمینه تفسیر به رأی در چنین آیاتی وجود دارد. ضرورت پرهیز از تفسیر به رأی در روش‌شناسی دکتر بهشتی، ضرورت ارجاع به منابع معرفتی دیگر یعنی احادیث را آشکار می‌سازد. اما در مراجعه به این احادیث نیز توجه به این نکته ضروری است که استفاده از احادیث و روایات در فهم قرآن حرفه‌ای است بسیار ظریف و بسیار دقیق و یک کار کاملاً فنی و تخصصی است. در مجموع دکتر بهشتی امکان‌ارایه برداشت‌ها و تفاسیر متعدد از قرآن کریم و استفاده از احادیث برای فهم قرآن کریم را می‌پذیرد اما به شرط آن که به حد تفسیر به رأی و به حد تحمیل عقاید دلخواه به قرآن نرسد. می‌توان گفت که در اسلام‌شناسی دکتر بهشتی که با روش‌شناسی تفسیری وی به دست آمده، سه گونه اسلام قابل شناسایی است. اسلام راستین، اسلام مصلحتی و اسلام اقلیمی. گونه نخست، اسلام واقعی است و گونه سوم نیز می‌تواند به گونه نخست برگردد و راستین شود.<sup>۲</sup> بهشتی اعتقاد دارد اسلام واقعی می‌تواند به انسان و جامعه کمال بدهد و علت این مسئله از دیدگاه بهشتی این است که آیات قرآن کریم زنده هستند و به عبارتی دیگر، تعالیم اسلامی نیز تعالیم جاودانی هستند.<sup>۳</sup> به همین دلیل، منبع اصلی اندیشه خویش را

۱. منصور میراحمدی، نگاه دوباره؛ بازخوانی اندیشه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی شهید آیت‌الله دکتر بهشتی، «نوگرایی دینی در اندیشه سیاسی دکتر بهشتی»، قم، دانشگاه مفید، ۱۳۹۲، ص ۳۵۰-۳۴۴.

۲. همان، ص ۳۵۰-۳۴۴.

۳. سید محمد حسینی بهشتی، ارزش‌ها/از نگاه بهشتی، همان، ص ۶-۵.

اسلام و قرآن قرار داد و توصیه ایشان به جامعه اسلامی، اتصال به منبع حقیقی شناخت و معرفت، یعنی قرآن کریم و تعالیم اسلامی است.

در جمع‌بندی این فصل باید افزود که اندیشه‌های بهشتی تا حدودی متأثر از محیط سیاسی و اجتماعی ایشان و شرایط جهانی است ولی ایشان، تسلیم بی‌چون و چرای جریان‌های فکری و تحولات سیاسی نبودند بلکه با میزان اسلام به نقد و ارزیابی امور سیاسی می‌پرداختند و موضع‌گیری می‌نمودند. نگاه اسلامی به انسان و جهان باعث گردید که نوعی فرجام‌اندیشی و غایت‌مداری در اندیشه سیاسی ایشان وجود داشته باشد و ترسیم جامعه عادلانه جهانی نمود عینی این موضوع در منظومه فکری ایشان می‌باشد و در عین حال، پیروزی جریان حق بر گروه‌های ظالم جهانی، سنت الهی سقوط تمدن‌های مادی، امنیت پایدار در جامعه مهدوی و... نشان می‌دهد که سیاست مورد نظر ایشان تحت تأثیر آموزه‌های قرآنی است.

### فرجام‌سخن

شهید بهشتی یکی از متفکران انقلاب اسلامی می‌باشند که سیره عملی و نظری ایشان برای استمرار و تقویت گفتمان انقلاب اسلامی بسیار حائز اهمیت می‌باشد. یکی از موضوعات بنیادی در خصوص شهید بهشتی، بررسی بنیان‌های اندیشه و حیات علمی و سیاسی ایشان است که می‌تواند در فهم و شناخت بهتر اندیشه‌ها و رویکرد اجرایی ایشان در فرآیند بسط گفتمان انقلاب اسلامی حائز اهمیت باشد. به یک معنا، فعالیت‌های اجرایی ایشان بر استمرار و تداوم انقلاب اسلامی تأثیر زیادی نهاده است تا جایی که ایشان را می‌توان اندیشمندی نهادگرا به حساب آورد؛ به این معنا که خیلی از اندیشه‌های راهبردی بهشتی در حوزه قانون، تشکل و احزاب، فعالیت‌های مدنی، نوع آزادی و... در جامعه متبلور شده و نهادسازی‌هایی برای آنها صورت گرفته است که نمود عینی و درخشان آن را می‌توان در تدوین قانون اساسی، استقرار قوه قضاییه و... مشاهده نمود.

اندیشه‌های بهشتی تا حدودی تحت تأثیر شرایط زمانی ایشان بود و بازتاب واکنش ایشان برای بهروزی و تأمین سعادت انسان‌ها بود؛ تحولات جهانی نظیر رواج نیهلیسم و پوچ‌انگاری در جامعه جهانی، گسترش افکار مارکسیستی و لیبرالیستی در محافل علمی و دانشگاهی و رخنه آنها در بدنه نظام‌های اسلامی، رواج بی‌عدالتی‌های رژیم پهلوی و لزوم طرح‌ریزی حکومت منطبق با آموزه‌های اسلامی، مادی‌گرایی و مصرف‌زدگی جوامع

انسانی و غیره باعث شد تا ایشان به واکنش در برابر آنها بپردازند و به فکر تشریح نظام سیاسی و حکومت مطلوب خویش بیفتند. طرح اولیه اندیشه‌های ایشان در خصوص مباحث سیاسی و حکومت اسلامی در سال ۱۳۳۹ در مجله مکتب تشیع انجام شد که در چند شماره به موضوعات مختلف حکومت در اسلام پرداخت و بعد از آن، در سخنرانی‌ها و تقریرات ایشان مباحث مختلف سیاسی نظیر ولایت، آزادی، تشکل سیاسی، عدالت، قانون و... مطرح گردید.

بن مایه تفکرات سیاسی و اجتماعی و اندیشه‌های حکومتی ایشان، اسلام (قرآن، نهج‌البلاغه، سیره معصومین، روایات و...) بوده است و همین موضوع سبب گردیده است تا مبانی هستی‌شناسی و انسان‌شناسی ایشان بر بینش سیاسی ایشان تأثیر عمیقی بگذارد. از آنجایی که بهشتی به دو جهان مادی و معنوی اعتقاد داشت و چنین می‌پنداشت که این جهان وسیله‌ای برای آبادانی زندگی اخروی انسان‌هاست، تأکید داشت که همه مؤلفه‌های سیاسی نظیر قدرت، حزب و تشکل، آزادی و... وسیله‌هایی هستند تا انسان‌ها بتوانند آخرت خویش را بسازند و همین امر مانع از فزون‌طلبی، قدرت‌پرستی، شهوت‌گرایی، هرج و مرج، بی‌بند و باری و... می‌شد. لاجرم، امت و امام در برابر نعمت‌های دنیوی و ابزاری که در خدمت آنها بود، مسئول بوده و باید پاسخگوی فعل و قول خویش باشند. پس، شهید بهشتی بر انصاف، صداقت و مسئولیت‌پذیری مسئولان اعتقاد راسخی داشت و معتقد بود همگان باید از تشنگی قدرت و جاه و مقام‌رهایی یابند و به سمت معنویات گام بردارند. چنین رویکردی سبب ارتباط وثیق دین و سیاست و جدایی‌ناپذیری آن در اندیشه سیاسی بهشتی گردید.

